

ارگان کمیته کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

دوره جدید سال چهارم شماره ۴۳

بهاء ۵۰ ریال

تیر ۳۶۵
Iranische Bibliothek in Hannover

عمایات تهاجمی پیشمرگان فدائی

در منطقه سرودشت

در صفحه ۲



شورای اسلامی، ایزاری در خدمت جنگ

ارگان سرکوب توده ها

رژیم جمهوری اسلامی که از همان فردای به قدرت رسیدنش سرکوب و وحشیانه توده های زحمتکش خلق کرد را در دستورات ردا ده بود، تلاش ورزید تا از طریق اعمال زور و فشار و شکن تریب شیهه های سرکوب، جنبش انقلابی خلق کرد، این قلب پهنده مبارزه انقلابی را از حرکت بازدارد و سلطه بلا منازع خود را نیز در کردستان برقرار رساند. در راستای این هدف ارتجاعی و جهت تداوم اعمال شیوه های ددمنشانده، همواره در پی بکار بستن حداکثر توان و ظرفیت خود در این زمینه بوده است و بر همین مبنا و با اختصاص هزینه و نیروی کافی کوشیده است تا ارگانهای سرکوب خود را در دور افتاده ترین نقاط کردستان مستقر نموده تا از نزدیک مراقب هرگونه حرکت انقلابی توده ها و یا پیشمرگان انقلابی باشد، و اوضاع و شرایط را مطابق مطلوب خویش تغییر دهد. مزدوران رژیم که دا شا در تدارک آن بوده اند در صفحه ۲

هشدار به نیروهای انقلابی

در صفحه ۲

تلاش رژیم برای

گسیل معلمین و کارمندان

به جبهه ها

در صفحه ۵

کومه له، رادیکال در عام گوئی، جیون در بر حور دشخص!

نگاهی به "جمع بندی مبارزات کنگره پنجم کومه له"

کارگران کردستان و کل طبقه کارگر ایران اشاره کردیم، در ادامه، اجالا به وجوه دیگری از انحرافات کومه له که در "جمع بندی" کنگره اثر انعکاس یافته است میپردازیم. درک کومه له از تاشیر جنبش سراسری بر جنبش خلق کرد و بالعکس، و اساسا درک در صفحه ۶

در شماره پینین ریگای تل، به برگزاری کنگره های مجزای کومه له و "حزب کمونیست" (سهند) و بر سر تناقضات لاینحلی که کومه له بنوان یک جریان محلی دچار آن است، اشاره نمودیم. همچنین به تاشیر و تاشیر خورده و روزا شای این جریان و برخی جنبه ها از گوش های تفرقه افکنانه او، میان

نگاهی به

مبارزات توده های در کردستان

سه ماهه اول سال ۶۵

تحولاتی انقلابی در جامعه بسیار خاسته شده را به نمایش گذاشت. علیرغم حاکمیت سرکوب، ترور و خفقان جمهوری اسلامی، توده ها همچنان با حفظ روحیه اعتراضی و انقلابی به مقابله با مزدوران سرکوبگر برخاسته و رژیم را برای به تمکین در صفحه ۷

سال ۶۵ نیز همانند هفت سال گذشته با مبارزات و استقامت توده های زحمتکش کرد در برابر سیاستهای ارتجاعی و سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی شروع شد. سه ماهه اول این سال شکوه و عظمت مبارزه خلق ستمدیده های که برای کسب حق تعیین سرنوشت خویش و ایجاد

در صفحات دیگر:



● اخبار جنبش توده های

در صفحه ۱۷

● اطلاعیه های استار

در صفحه ۸

● گرامی براهت مین سالگرد

انقلاب نیکا را گواهی

در صفحه ۲۸

هه موو میلیه نیک مافی دیاری کردنی چاره نویسی خوی هه پیه

شورای اسلامی، ابزاری در خدمت جنگ
ارگان سرکوب توده ها

که بهر شکل ممکن، مبارزات توده‌ای را منکوب ساخته و یادامنه آنرا محدود نماید، علاوه بر استفاده از ارگانهای رسمی سرکوب خود از قبیل ارتش و سپاه و غیره، از بهره‌گیری از اهرم‌ها و نهادهای مشابه دیگری نیز چشم پوشی نکرده‌اند، جاشا، فتودالها، خاشین و ملاها مشابه ابزاری بوده‌اند در دست رژیم که دائماً بر علیه توده‌ها بکار گرفته شده‌اند.

استفاده از این شیوه‌ها و کارکرد چنین ارگان‌هایی در پیرویه عملی، هر چند که به اعمال خونت با ترتیب سرکوب‌ها در حق توده‌های خلق گرد منجر گشته است، اما نتایج مورد دلخواه رژیم را بطور کامل همراه نداشته و بازدهی لازم را نیز فاقد بوده است. عدم کفایت چنین ابزارهایی در مبارزات توده‌ای و به تمکین و داشتن آنان از یکسو، و لزوم بهره‌گیری تام و تمام از توده‌ها و اتکاء به موقعیت‌هایی در میان خود آنان و خلاصه استفاده از نیرویشان جهت پیش برد سیاست‌های ارتجاعی، از سوی دیگر، رژیم را بر آن داشته است که ممرانه برای ایجاد نهاد دیگری با اسم "شورای اسلامی" نیز یافتاری نماید.

شوراهای اسلامی که ایجاد گسترش آن همواره مدنظر رژیم بوده است، حامل ویژگی‌های مشخصی است که می‌تواند آنچنان شرایط و موقعیتی را برای رژیم فراهم آورد، که هیچیک از ارگان‌های دیگران نمیتوان جایگزین آن نمود، چرا که اساساً قادر نیستند چنین نقشی را ایفا کنند.

ایجاد این "شوراها"، اضافه بر آنکه هیچگونه هزینه‌ای در بر ندارد و این برای رژیم که از نظر مالی دچار ورشکستگی مفرط است قطعاً بی اهمیت نیست - میتواند در سطح تمام روستاهای کردستان مورد نظر رژیم باشد و حتی روستاهایی که فی‌المثل نیروهای مسلح رژیم، با سادار ارتش و غیره امکان استقرار ندارند و نمیتوانند در آن‌ها حضور داشته باشند، شوراهای اسلامی - در

صورت تشکیل شدن، - به راحتی میتوانند در آنجا حضور خود ادامه دهند.

ارگانهای مشکل از خود اهالی، به مثابه ارگانهای ثابتی که دائماً در محل حضور دارند، مشکل از خود مردم محل هستند و همه اهالی را بخوبی میشناسند و ناظر بر مسائل جاری روستا بوده و می‌توانند دقیق‌ترین اطلاعات را بطور مستمر به دیگر ارگان‌های رژیم انتقال دهند، و تازه، در ابتدا، - آنطور که مورد دیگر ارگانهای سرکوب رژیم صادق است - احیاناً توده‌ها، مستقیماً آنها را در دروی خود نمی‌بینند!؟ جزوه‌ها و ویژگی‌های مشخص این نهاد است که پیشتر ذکر آن رفت.

پس بی جهت نیست که مزدوران برای ایجاد چنین شوراها با فشاری می‌کنند.

گسترش و تحکیم شوراها، از جمله مواردی بوده است که اگرچه از مدت‌ها قبل در دستور کار رژیم قرار داشته است اما موقعیت تاریخی - اجتماعی و جسو مبارزاتی در کردستان مانع از آن بوده است تا رژیم به همان سرعت و سهولتی که در دیگر نقاط ایران دست به تشکیل چنین نهادهایی زده است، در کردستان نیز به این هدف دست یابد، اما بهرحال با آگاهی نسبت به درجه اهمیت و نقش شوراها، اسلامی و ضرورت ایجاد آن، خصوصاً در شرایط تشدید و تداوم جنگ ارتجاعی ایران و عراق، و گسترش ایجاد سوبایزگیری اجباری که رژیم را بر آن داشته است تا از هر امکانی برای تامین نیازهای ماشین جنگی خود سود جست و به آن جنگ زند، تکیه بر این "شوراها" - به معنای ابزاری ضروری و مهم و استفاده از آنها به مثابه ارگانهای جاسوسی، اهمیت بیش از پیشی کسب کرده است. کلیه حرکات رژیم در کردستان، نشانگر این واقعیت است که تحت بهانه‌های مختلف، موقعیت‌های مناسبی را برای اعمال فشار هر چه بیشتر جهت دست یابی به این هدف ارتجاعی خود نیز دست آورده و برقرار داده است.

شوراهای اسلامی، به مثابه نهادها و وابسته به دولت، همیشه در جهت محوری‌ترین خواست و هدف رژیم هدایت شده، عمل کرده و با زده آنها نیز در همان

راستای بوده است، اگر زمانی از این شوراها خواسته میشد، که گزارش روستای خود، وضعیت روستا و حرکت پیشمرگان را در منطقه به سپاه پاسداران و با دیگر ارگانهای رژیم ارائه دهند، امروزه این آنکه این خواست کماکان بجای خود باقی است اما بر مبنای خواست مبرم رژیم یعنی تامین نیازهای جنگی، و مهمترین بخش این نیاز، یعنی بسیج نیرو و سربازگیری اجباری، ایفای نقش میکنند.

رژیم، امروزه بیش از هر زمان دیگری تلاش میکنند تا در روستاهای کردستان به ایجاد چنین "شورا"هایی دست بزنند، و با آنکه در آن دسته از روستاها که چنین "شورا"هایی تشکیل شده است، آنها را در جهت برآوردن خواسته‌های ضد مردمی خود فعال تر نماید. کلیه حرکات مزدوران رژیم و مقامات دولتی بخصوص در چند ماه اخیر، دلالت بر آن دارد که رژیم بر روی این نهاد - صاحب باز کرده است. همین چندی پیش، سران رژیم در کردستان به تبلیغات گسترده‌ای بر سر محوری‌ترین مسئله روز خود، یعنی مسئله جنگ، از طریق ارگانهای وابسته و از جمله از طریق برگزاری سمینار روستایی شوراها، اسلامی در سطح استان کردستان دست زدند. رژیم در بیشتر شهرهای کردستان و از جمله روستاهای شهرقز، سنندج، مریوان، بوکان و غیره بطور سیستماتیک تر حرکت کرده است تا شوراها، اسلامی این مناطق را به فعالیت بیشتر و ارگانیک تری وادارد، در همین رابطه و اوائل ماه گذشته

فرماندار شهرقز در جلساتی که با شوراها، اسلامی روستایی برگزار نمود، "وظایف خطیر اعضاء شورا" را گوشزد کرد و آنان را به فعالیت هر چه بیشتری فراخواند. او همچنین از ضرورت ایجاد شوراهای اسلامی در مناطقی که چنین شوراها، تشکیل نشده است، صحبت به میان آورد.

اوائل ماه جاری، به شوراها، اسلامی بخش "کلاته رزان" سنندج اخطار میشود که ظرف مدت بیست روز، مسئولین را به مراکز نظامی رژیم معرفی نمایند. این "شوراها" و همچنین شوراها، اسلامی روستایی منطقه بوکان، عملاً همکار ریهای خود را با رژیم آغاز کرده‌اند.

طی دو عملیات تهاجمی



پایگاههای "مام کاوی" و "مه زره" در منطقه سودشت

توسط پیشمرگان فدائی درهم کوبیده شد

پیشمرگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران روز ۲۱/تیرماه/۱۳۶۵، طی یک جوله سیاسی نظامی در مناطق پشت جبسه نیروهای جمهوری اسلامی، موفق شدند در بین شبکه پایگاه های دشمن دو پایگاه سرکوبگران خلق کرد را مورد تهاجم جسورانه قرار داده و تلفات و خساراتی به این پایگاه ها وارد سازند. این عملیات بیادجانیاختگان ۴ بهمن ۶۴، رتقای فدایی، کاوه، اسکندرو حسن که در دفاع از مرکز فرستنده رادیویی سازمان توسط باند خاش و توطئه گر مدنی - شیانی بشهادت رسیدند انجام گرفت.

ساعت هفت وپانزده دقیقه بعد از ظهر یکدسته از رانقای پیشمرک پس از شناسایی دقیق و استقرار در نقاط مشرف به شبکه پایگاه "مام کاوی" با گشودن آتش بسوی سنگین پایگاه عملیات خود را آغاز نمودند. پس از اولین شلیک و بیلاکت رساندن سنگین پایگاه، پیشمرگان فدائی سلاح های نیمه سنگین و مسلسل سبک، مزدوران مستقر در پایگاه و تاسیسات و استحکامات آنرا مورد تعرض غافلگیرانه قرار دادند. دشمن که از این حرکت برقی آسای پیشمرگان دلیر فدا بی سر آیمده و حثت افتاده بود، دیوانه وار با سلاحهای سنگین و بویژه خمپاره های تا بمبلا به آتشاری نقاط استقرار پیشمرگان پرداخت که علیرغم شدت گلوله باران با هوشیاری و دقت عمل پیشمرگان فدائی آسیبی به آنان وارد نگردید. پیشمرگان پس از شلیک آخرین رگبار، بیروزمندانه و سالم به قرارگاه خود باز گشتند.

در همین روز دسته ای دیگر از پیشمرگان فدایی، پایگاه "مه زره" را در دو مرحله و بفاصله کمتر از یک ساعت پس از تهاجم به پایگاه "مام کاوی" مورد تعرض فیرمانانه قرار دادند.

این عملیات در ساعت هشت و ده دقیقه بعد از ظهر، با شلیک اولین موشک آر-بی - جی آغاز گردید. پیشمرگان فدایی سعی جمیع نیروهای سرکوبگران را که انتظار چنین حمله غافلگیرانه ای را نداشتند، هدف رگبار مسلسل های خود قرار دادند. مزدوران رژیم پس از تحمل ضربات وارده، وحشت زده با سلاحهای سنگین و نیمه سنگین به آتشاری منطقه عملیاتی و میسر عقب نشینی رنقای پیشمرک پرداختند.

گلوله باران اطراف پایگاه توسط نیروهای سرکوبگر بگونه ای بود که برخی از گلوله های خمپاره به پایگاههای مجاور ما بت نمود و موجب تبادل آتش مزدوران بسوی یکدیگر شد.

در ساعت هشت و بیست دقیقه، پیشمرگان فدایی با شلیک دومین موشک آر-بی - جی و رگبار مسلسل بختی دیگر سراز تاسیسات پایگاه را هدف آتش خود قرار دادند. تعرض مجدد پیشمرگان، نیروهای سرکوبگر مستقر در این پایگاه و چندین پایگاه اطراف را بوحث انداخت. سحوی که از هر طرف، منطقه عملیاتی هدف توپ و خمپاره باران مزدوران قرار گرفت، کند با این وجود هیچگونه خسارات جانی و مالی بیمراه نداشت.

پیشمرگان دلیر فدایی پس از پایان این عملیات متهورانه از نقاط استقرارشان عقب نشینی نموده و همگی سالم به محل قرار خود باز گشتند. از میران تلفات و خسارات وارده به پایگاههای "مام کاوی" و "مه زره" اطلاع دقیقی در دست نیست.

پیروزی با دجنش انقلابی خلق کرد

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی - سر قرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
تا سود باد امپریالیسم جهانی سرگردگی امپریالیسم امریکا و پایگاه داخلی

زننده باد سوسیالیسم

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - کمیته کردستان

هشدار به فیروهای انقلابی

فدائی خلق ایران داده نشده بود. ما ضمن اعتراض نسبت به بازداشت رفقای پیشمرگه، تحت بهانه‌های واهی و بی‌خبر گذاشتن کمیته کردستان از علل بازداشت این بازداشت‌ها، چنین حرکتی را محکوم کرده و خواستار آزادی آنسان شدیم. ما همچنین اعتراضات خود را نسبت به حرکت پیشمرگان اتحادیه میهنی در رابطه با خلع سلاح و مانع از حرکت رفقای تیم و خلع سلاح رفقای مستقر در مقر کمیته کردستان اعلام داشتیم و آنرا کار شکنی در مقابل مبارز علیه رژیم جمهوری اسلامی ارزیابی نمودیم.

پس از این مذاکرات اگرچه نسبت به بی‌خبر گذاشتن کمیته کردستان از بازداشت پیشمرگان پورش خواسته شد، و اگرچه سلاح‌ها و مهمات ضبط شده، همان روز پس داده شد و گفته شد که حرکت پیشمرگان اتحادیه میهنی کردستان در رابطه با خلع سلاح رفقای ما، به دستور دفتر سیاسی اتحادیه میهنی کردستان نبوده است! و در این مورد نیز پیروزی خواهی شد، ما پیشمرگان دستگیر شده، همچنان در بازداشت اتحادیه میهنی ماندند!

مادر طی دونا مدمورخ ۶۵/۳/۲۱ و ۶۵/۴/۱ به دفتر سیاسی اتحادیه میهنی، بازداشت غیر اصولی پیشمرگان سازمان را متذکر شده و اتحادیه میهنی را از تمسک به چنین شیوه‌هایی که خلاف موازین دمکراتیک است بر حذر داشتیم و از آنان خواستیم تا هر چه زودتر رفقای ما را آزاد کرده و بیش از این در مقابل فعالیت‌های کمیته کردستان به مثابه بخششی از فعالیت‌های سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، و بخصوص حرکت رفقای تیم پیشمرگه علیه رژیم ارتجاعی و فدا انقلابی جمهوری اسلامی ایران مانع از ایجاد ننگند و موجب تیره تر شدن روابط فیما بین نگردند.

بالاخره بعد از ظهر روز ۶۵/۴/۴ رفقای بازداشت شده ما آزاد میشوند و دوسر خوندنا مدمورخ ۱۹۸۶/۶/۲۵ (چهارم تیر ماه) با امضای "کمیسیون تحقیق" می‌آورند که در آن، تاریخ تحویل دستگیری رفقای ما توسط تیپ ۴۷ بسته در صفحه ۲۸

ایجاد چنین موانع و محدودیت‌هایی، ما هوأ نمیتوانیم محدودیه ما شود. این محدودیت‌ها، فقط در مانع تراشی در امر مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی و نقض میانی دمکراسی ختم نمیشود، بلکه با دخالت آشکار در امور داخلی و گنجگاری در امور تشکیلاتی سازمان ما، با ایجاد وسعتی بخود گرفته است که هوشیاری و احساس مسئولیت هر چه بیشتر را از جانب کلیه سازمانهای انقلابی ایجاد میکند. ما در ادامه، اهمیت این مسئله و ضرورت حفظ هوشیاری انقلابی را آشکارتر بیان میداریم.

صبحگاه روزی خرداد ۶۵، هنگامیکه یکدسته از پیشمرگان فدائی، عازم جوله سیاسی - نظامی در منطقه کردستان علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران بودند، در جلوی یکی از مقرات اتحادیه میهنی کردستان، توسط پیشمرگان این سازمان خلع سلاح شده و حرکت آنها متوقف میشود. بدنبال این عمل ضد دمکراتیک، رفقای مستقر در مقر کمیته کردستان نیز خلع سلاح شده و کلیه سلاح‌ها و مهمات موجود توسط پیشمرگان اتحادیه میهنی ضبط میشود. رفقای ما در جریان خلع سلاح، برای جلوگیری از هرگونه بهره‌برداری ارتجاع و امیرالیمیم و برای پرهیز از تشدید اختلافات فی ما بین دوسالمان از هر گونه اقدام متقابل و درگیری اجتناب میکنند و به اعتراض نسبت به این مسئله اکتفا نموده و از تحویل سلاح‌های خود امتناع میکنند. قبل از این واقعه سه تن از رفقای پیشمرگه سازمان، در حین انجام ما موریت تشکیلاتی، توسط پیشمرگان اتحادیه میهنی، روزهای بیست و هفتم و بیست و هشتم خرداد ماه خلع سلاح و بازداشت شده بودند، و هیچ گونه اطلاعی نیز از علل دستگیری آنان که هویت سازمانی شان روشن بوده است به کمیته کردستان سازمان چریکهای

محدودیت‌های ناشی از پیوستن و بنیای رژیم جمهوری اسلامی در رستان، که منجر به اشغال اکثر مناطق آزاد شده گردیده است، هرچند، هیچگاه نتوانسته است به کلی مانع از بازت نیروهای انقلابی و علی‌الخصوص رده‌های خلق کرد گردد، اما عملاً دامنه فعالیت‌ها را محدود نموده و نیروهای انقلابی ایرانی را مجبور به عقب‌نشینی به مناطق مرزی نموده است. که تحت کنترل اتحادیه میهنی کردستان است، اما ضرورت مبارزه انقلابی در زمین محدودیت‌های ایجاد شده، بر هیچکس پوشیده نیست و هیچ کفونیستی نمیتوان یافت که به اهمیت مبارزه ادانه و انقلابی علیه رژیم پوزوایی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه قف نباشد.

امروز بخشی از مبارزات سازمان - انقلابی و اعتراضات انقلابی پیشمرگان عمیق منطقه علیه رژیم جمهوری می هدایت و سازماندهی میشود. از روطیعی است که هرگونه ایجاد مانع بر سر راه مبارزه انقلابی عملییت نامین منافع رژیم فدا انقلابی وری اسلامی خواهد بود.

مناسفانه در رابطه با اتحادیه میهنی، بر زمینه یکسری گرایش‌ها و توره‌ها در رابطه با جنگ ایران و عراق، مطلق استفاده از تفاهای آنان، راه دیگری معادلات سیاسی و خط مشی سازمان، فعالیت نیروهای انقلابی نی، عملاً دچار مشکلات و تنگناهایی است. این تنگناها در جریان مبارز، در کردستان، بویژه در رابطه با آنان ما، و از جمله، بخاطر ادیکالیمیری که حاصل آن بوده است، بیش از بیان دیگری خود را نشان داده است. رفتارهای فیزیکی و مذاکلات غیر می جهت هر چه محدودتر نمودن دامنه فعالیت‌های ما علیه رژیم فدا انقلابی ری اسلامی، نمود داشته است. بر هر ی آگاهی آشکار است که چنین ردها شای اگرچه آغازش در رابطه با آن ما بوده است، می بایستی از هم ن به مثابه هتداری جدی برای کلیه عالی استثنایی تلقی شود، چرا که

هبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلفهای ایران است

تلاش رژیم برای
گسیل معلمان و کارمندان
به جبهه‌ها

مشکل جنگ و سرکوبت آن، سران
مشی را واداشته است تا با تشدید
جای خود برای بسیج امکانات مادی
بیزه نیروی انسانی جامعه، بیش
چیزی همه چیز را در آتش جنگ بوزانند.
م جمهوری اسلامی در پی اهداف
نجاتی و پیمان اسلامی خود که با
ن جنگ طلبی اش موجب سبب روزی
م توده‌ها گشته و زندگی آحاد جامعه
و ضایعی گشاده است، سرای وادار
ن تعداد در چند سببتری از اقتضای
لف مردم به رفتن به جبهه‌ها و
بین نیروی انسانی جنگ، بمنظور
نات جدید جهت شکستن بن بست جنگ،
تشبثات جدیدی توسل جسته است. پس
شواشی خمینی درباره اهمیت جنگ
گنبد محوری بودن آن، و تبعیض
ن حکومتی از سخنان وی منتهی سر
و، نگاه داشتن آتش این جنگ
جای و تشدید آن، مقامات رژیم در
متان نبرد را اجرا و ادامه این سیاست
به تکاپو افتاده اند تا به سهم خود
نجات از چنگال بحران شدت
ده اقتصاد و سیاسی، در به خدمت
ن هم‌چنین برای جنگ، بر شت
نهای ارتجاعی خود بیفزایند.
رژیم جمهوری اسلامی مصمم است
استفاده از حربه‌های گوناگون در
متان، علاوه بر شیوه‌های معمول
رگیری اجباری و به دام افکندن
نسن در کوچها و خیابانها، از طریق
ن نیروها اهداف خود را مثل آید، از
و در تدارک آن برآمده است تا
بر دانش آموزان، دانشجویان،
نایان و دیگر کارمندان ادارات
ن را نیز به مراکز آموزش نظامی
و تا آنان را به جبهه‌های جنگ
دارد، ارگان‌های مختلف دولتی،
نهایی گسترده و هماهنگ سعی در
زمینه لازم برای پیش برد این
ن سرآمده‌اند. چنین است که
ن تا بیستای مدارس برای رژیم،
ن فرصت و غنیمی است که عمال
خوار او، در همین رابطه از آن
بند.

فرمانده کل ژاندارمری استان
کردستان، در همدستی کامل با اداره
آموزش و پرورش، تشکیل "گردان‌های
لیک یا خمینی" مرکب از معلمان،
دانشجویان، دانشجو معلمان و... تحت
عنوان "سرباز معلم" را در دستور قرار
داده تا از این طریق، و با کثافت
افتخار وسیع تری از توده‌ها به مراکز
نظامی، امکان اعزام نیروهای جدید
به جبهه‌های جنگ فراهم کرده، اومسی
گوید: "ژاندارمری کردستان با
هماهنگی اداره آموزش و پرورش در نظر
دارد با توجه به اینکه در ایام تابستان
کلیه مدارس تعطیل است، گردان‌های
از سربازان معلم، ستام گردان‌های
لیک یا خمینی تشکیل و به جبهه‌های حق
علیه باطل گسیل دارند، بدین وسیله
به کلیه برادران عزیز سرباز معلم که
هم اکنون در مرخصی به سر می‌برند با
میکنم که روز جمعه ۶۵/۲/۲۰ با کلیه
تجهیزات و لوازم ابتدائی خود بخواهند
ژاندارمری محل خدمت معرفی... تا پس
از آموزش‌های لازم به جبهه‌ها اعزام
گردند." گفتار رادیویی سبب
جمعه ۶۵/۳/۲۶، امام جمعه در نماز
جمعه ۶۵/۴/۱۳ خطاب به کارکنان
ادارات استان کردستان، ضمن عوام
فریبی، فرا گرفتن فنون نظامی را امری
"واجب" دانسته و آنان را به پوشیدن
لباس بسیج تشویق میکند. "بر شما
مسلمانان واجب است با آموزش فنون
نظامی خود را برای مقابله با دشمنان
اسلام مهیا سازید... اینک شما برادران
مسئول باید الگو باشید و پوشیدن
لباس مقدس بسیج و شرکت در دوره‌های
آموزشی سربازی برای دیگران باشد"
(گفتار رادیویی سبب ۶۵/۲/۱۴)
اداره کل آموزش و پرورش کردستان
نیز در همین رابطه اطلاعیه صادر نموده و
معلمان و فارغ التحصیلان را برای ثبت
نام به مراکز نظامی فرا میخواند. "اداره
کل آموزش و پرورش استان کردستان، طی
اطلاعیه‌ای از آن عده دانشجوی معلمان
فارغ التحصیل در مراکز تربیت معلم
استان که تاکنون موفق به ثبت نام
شرکت در دوره‌های آموزش نظامی
نشده‌اند، اعلام کرده که بمنظور ثبت نام
برای شرکت در این دوره‌ها روز بیستم
تیرماه در محل تحصیل خود حضور بهم
رسانند" (گفتار رادیویی سبب)
و با زدر همین رابطه و برای اجرای

نقشه‌های رژیم، بر سر تربیت، فتنه و فوق
در مراکز سرکوب و اعزام آنان به جبهه
ها، وزارت آموزش و پرورش و سپاه
یاسداران انقلاب اسلامی، با هم سه
توافق مبرمند، که متحدا به ریاکاری
پیداخته و سیاستهای ارتجاعی رژیم را
پیش برند. "بر اساس توافق وزارت
آموزش و پرورش و سپاه یاسداران انقلاب
اسلامی تعدادی از شیروها و طلب آموزش
دیده آموزش و پرورش... برای فرماندهی
نظامی به سپاه یاسداران انقلاب اسلامی
اعزام میشوند". اداره کل آموزش
و پرورش کردستان ضمن انتشار اطلاعیه
و اعزام مطلب فوق از "دا و طلبین و اجسد
شرایط درخواست کرده که با مراجعه به
ستاد مورچنگ اداره آموزش و پرورش
استان، فرم‌های مربوطه را تکمیل کنند"
با ذکر این نکته که "ما موریت خدمت آنان
جز خدمت ویژه محسوب میشود و از مزایای
مدرج در بخشنامه‌های صادره از حضرت
وزیری برخوردار خواهند بود." و با اشاره
استاندار کردستان به سیراه تخی چند از
دیگر مزدوران رژیم در مراسم اختتامیه
حدود بیست تن از مسئولین ادارات که
پس از گذراندن دوره آموزشی با مطبخ
آنها دگنی خود را برای حضور در جبهه‌ها اعزام
داشته‌اند، با تاکید بر صحبت‌های خمینی
فراگیری آموزش نظامی کارکنان دولت
را "ضروری" دانست و آنرا در "جهت شت
نظام جمهوری اسلامی" ارزیابی نمود.
اگر جنگ وادامه آن برای سرمایه
داران و نجات زخیر و برکت دارد، و اگر سر
منافع این طبقه در ادامه جنگ، وادامه
جنگ به نفعی گسیل نیروهای تازه نفس
به جبهه‌ها امکان پذیر میگردد، پس
بایستی کلیه ابزارها و اهرم‌های دولتی
که ارگان‌های سیادت این طبقه است در
همین راستا بحرکت درآید، همکساری
ارگانهای مختلف، سپاه، ژاندارمری
آموزش و پرورش و غیره خوانی امثال
استاندار و امام جمعه و غیره در همین
راستاست. این ارگانها و عناصر
بایستی خود بسیج شوند، برای آنکه
بتوانند نیروی مورد نیاز زماشین جنگی
را بسیج کنند. اگرخواست محوری رژیم،
غارتگران، جنگ وادامه آن باشد،
وظیفه اصلی و محوری ارگانها نیز همانا
حراست از منافع سرمایه داران است و
این، حسنی و محدود و گوناگون است و
هماهنگی میان ارگانهای در ظاهر
در صفحه ۲۷

کومه له، رادیکال دره ۰۰

کومه له از پیروزی جنبش خلق کرد و با انقلاب ایران، و همچنین آلترنا تیفوی که در قبال رژیم جمهوری اسلامی ارائه میدهد، از موارد دیگری است که کومه له به طرح آن پرداخته است. ما در زیر سعی میکنیم در همان چهار چوب مطرح کرده در "جمع بندی" درک انحرافی کومه له را در این زمینه نیز با زو افشا کنیم.

کومه له که مثل همیشه می خواهد وانمود سازد، افکار و عملکردهای او محدود به عرصه خاک کردستان نمیشود به جنبش سراسری توجه و اعتقاد دارد و از تا شیرات آن نیز پیروی جنبش خلق کرد بی خبر و غافل نیست، سعی میکند این مسئله را در پوششی از الفاظ به خوانندگانش نیز تسلیولاند، از این رو، در همان "مدخل" "جمع بندی" اش، ضمن اشاره به "جنبش کردستان" و اینکه این جنبش "علیه ستامگری ملی برپا شده است"، میگوید: "این جنبش گرچه به لحاظ مضمون جنبشی تکراتیک است و به این لحاظ در کنار جنبش سراسری علیها ختناق و استبداد تا کم عمل میکند، محدوده مطالبات و تا میم خاص خود را دارد و عروج و افول آن هر چند از جنبش سراسری تا شیر میگذرد بر آن تا شیر مینهد..." (صفحه ۳)

گذشته از اینکه کومه له در همین حذات کوتیده است تا به شکل پوشیده ای با طرح "اختناق و استبداد تا کم" مضمون جنبش سراسری را مطابق افتق دیستندو تا بیلات خود در همین محدوده خلاصه کند، تا تا هرا اعتقاد خود را مبنی بر تا شیرات جنبش سراسری بر جنبش خلق کسردو العکس، بیان کرده است. همین اظهار شیر پذیری "عروج و افول جنبش کردستان" از جنبش سراسری، به ویژه وقتی در نظریات ویریم کومه له انقلاب لحاظ نه کرده ها را در کردستان نه تنها تابع "جنبش سراسری نمیدانست" و میداند - بلکه تا شیرات این جنبش نقل قول ها همه جا از "جمع بندی" است غیر این صورت نسع آن ذکر خواهد شد. کیده ها همه جا از ما است)

را بر مبارزات خلق کرد تا چیز شمرده و به شکلی انکار مینمود و یا ندیده میگرفت، و خلاصه آنکه با درکی کاملاً ساده گرا پانه و مقابله مکانیکی کردستان، فی المثل با اصفیان و غیره و با پوشیده داشتن مضمون مبارزات جاری در آنها، عقرب افتادگی جنبش سراسری از جنبش خلق کرد را استنتاج مینمود و بطور ضمنی انقلاب ایران را تابع جنبش خلق کرد میساخت، خوشحال کننده و گامی به پیش برای کومه له محسوب میشود، اما خوشحالی خواننده های که "جمع بندی" مباحث کنگره کومه له را میخواند، از این حرکت ظاهراً به پیش کومه له زیاد دوام نمی آورد. او میگوید: "... و نیز بر آن تا شیر مینهد، یکبار ره و یکبار جانش به آن بستگی ندارد!"

کومه له از تا شیرات متقا بسمل محبت میکند و در کل این تا شیرات را میپذیرد، اما در عین حال با طرح کلماتی همچون "یکبار ره" و "یک جانش" و ردیف کردن آن در انتهای جمله فوق، زمینه را برای آنکه بعداً بی اعتقادی خود را به جنبش سراسری بیان دارد، فراهم میکند. کومه له، زمانی که به عام گویی میپردازد تا شیر متقا بسمل جنبش سراسری و جنبش خلق کرد را می پذیرد، اما همیشه میخواهد به مورد خاصی بپردازد، و از عرصه تجرد اندیشی قسم بیرون بگذارد و به نمونه مشخصی برخورد نماید، تا آزاری به تزلزل میکند، این تزلزل هر چند که در ابتدا با ابهام گیری پای در صحنه مینهد، اما در ادامه به بیشتر رخ مینماید. کاربرد چنین کلمات بسی محتوا، غیر صریح و حیوانانه اما نه تنها راه نجاتی برای کومه له نمی گشاید، بلکه بر راستی بیش از هر چیز گنجی و درهم اندیشی او را به نمایش میگذارد.

کومه له که پس از "مروری کوتاه بر اوضاع کردستان" تصمیم میگیرد با مباحث "تصویر روشن تری از شرایط ملزومات و افتق پیروزی جنبش در برابر توده های مردم" (صفحه ۶) بدست دهد، در ادامه، میزان تا شیرات اینسند و جنبش را بر یکدیگر روشن تر میسازد. او میگوید:

"بی تردید هر نوع تکان طبقه کارگر و جنبش کارگری در ایران و سایر

جنبش همگانی و بطور کلی متزلزل شدن پایه های حکومت جمهوری اسلامی، پیروزی جنبش کردستان را سبب تسهیل تر و کسب مشقت تر خواهد نمود و از طرف دیگر پیش رویها و گسترش جنبش انقلابی نیز بر جنبش کارگری و انقلابی در ایران متزلزل کردن پایه های جمهوری اسلامی تا شیر خواهد گذاشت." (صفحه ۱۰)

کومه له، در اینجا نیز دست از تلاشهای تفرقه افکنانه خود بر نمیدارد، و "جنبش کارگری و انقلابی در ایران" را مقوله ای جدا و "جنبش انقلابی" خلق کرد را مقوله جداگانه دیگری میبیند و اوج ناسیونالیسم تنگ نظرانه خود را به نمایش میگذارد.

و اما جناب کومه له اگر صدیا رهسار جنبش سراسری و تا شیر آن محبت بمیمان آورد، نمیتواند عجز خود را از درک مسئله ارتباط ارگانیک مبارزات کارگران و زحمتکشان خلق کرد با کارگران و زحمتکشان سراسر ایران پنهان کند، او درک نمیکند که زمینه تحقق کامسمل خواست های خلق کرد و بسیاری پیروزی جنبش انقلابی زحمتکشان خلق کسرد، در راستای همان اهداف کارگران و زحمتکشان سراسر ایران دست یافتنی است و نه جز آن. کومه له اما پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد را بدون بستک جنبش سراسری و پیوند با آن نیز کاملاً ممکن و میسر مینماید، کومه له مسئله تا شیر جنبش سراسری را تا آنجا می پذیرد (؟) که پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد را "سهل تر" و "کم مشقت تر" میکند! . معنی آن اینست که ناسیونالیست گیسر ما، کومه له خود تا در است جنبش انقلابی خلق کرد را بدون پیوند با جنبش سراسری به "پیروزی" برساند؛ منتهی با "سختی ها" و "مشقت های بیشتر" اما حقیقت آن است که کومه له باطناً نه فقط تا شیر قطعی جنبش سراسری را بر جنبش خلق کرد نفی و انکار میکند، بلکه اما سا چنین جنبشی و تا شیرات آن، برایش فاقد اهمیت است. کومه له ناسیونالیست است و با خواست های ویژه به میدان آمده است، او با تمهیدات مختلف و جورا جور، و با فشاری بر منافع خاص خود تلاش دارد تا برای تمام حریصانه اش توجیبات لازم را فراهم کند. در صفحه ۱۱

نگاهی به ...

و ادا شدن خلق مبارک در برابر سیاستهای ارتجاعی خودبه‌تلاشهای جدیدی و ادا شده اند.

رژیم جمهوری اسلامی که برای حفظ و بقا موجودیت ننگین خود همچنان بر سیاست سرکوب و جنگ اصرار میورزد و به بسیج جنگی سراسری در ایران دست یازیده است از اوایل ۶۴ و اوایل سال ۶۵ تعرض جدید و سازمان یافته‌ای را برای پیشبرد سیاستها و اجرای قوانین ترو و وسطانی اش در کردستان آغاز کرد تا ضمن تامین نیروی انسانی برای جبهه‌های جنگ زحمتکشان کرد را که طی هفت سال مبارزه سدی مستحکم در برابر اجرای سیاستهای ارتجاعی رژیم ایجاد کرده اند، به زانو درآورد. بدینسان، سیاست بسیج جنگی سراسری در سلو حه بی‌نامه‌های مزدوران و ارگانهای رنگارنگ سرکوب در کردستان نیز قرار گرفت. یورشهای وحشیانه به روستاها و محاصره خانه‌ها، تفتیش و خانه‌گردیها کنترل، بازرسی و بازرجویی در جاده‌ها، و معا بر عمومی و خیابانها، دستگیری دسته جمعی جوانان به بهانه جنگ و بسیج جنگی همراه با صدور اطلاعیه‌های پی در پی ارگانهای سرکوب گسترش یافت و فضای پلیسی نظامی حاکم بر کردستان تشدید گردید. توده‌های مردم جهت سر با زگیری و تسلیح اجباری و اخاذی آشکار بسیاری تا مین نیروی انسانی و مالی ما عین جنگ رژیم به وسعت کردستان تحت فشار قرار گرفتند. اما توده‌ها ی زحمتکش کرد، علی‌رغم کلیه فشارها و تضییقات رژیم حاضر به تن سیردن به سیاستهای ارتجاعی جمهوری اسلامی نیستند و در برابر هجوم مزدوران به مقابله ناخوابی بر می‌خیزند. فرار سربازان و دستگیرشدگان از جبهه‌ها و مراکز نظامی با حمایت مردم، اعتراض به دستگیری جوانان و فراری دادن آنها، سربانی نظاهرات و درگیری با مزدوران رژیم در مناطقی مختلف به امرادی و روزمره مردم تبدیل شده است. اما با وجود همه این اعتراضات گسترده و تنفرو انرجار

عمیق مردم کردستان از رژیم جمهوری اسلامی و جنگ ارتجاعی، بدلیل پراکندگی و سازمان نیافتگی مبارزات توده‌ها رژیم تاکنون نتوانسته است تعداد زیادی از جوانان کردستان را دستگیر و روانه جبهه‌ها و مراکز نظامی نموده و دسترنج توده‌ها را تحت عنوان هزینه‌های جنگی به تاراج ببرد. سه ماه گذشته سر با زگیری و تسلیح اجباری، اخاذی برای تامین هزینه‌های جنگی، اخراجهای دسته جمعی کارگران، سرکوب و حشیانه توده‌ها و کوچ اجباری عمده سیاستهای ارتجاعی رژیم را در کردستان تشکیل میداد که در برابر این سیاستها مبارزه شورانگیزی نیز از جانب توده‌های زحمتکش در کردستان جاری بود. این گزارش، جمع بندی فشرده‌ای از مجموعه مبارزات و اعتراضات انقلابی توده‌های خلق کرد است در مقابله با سیاستهای ارتجاعی رژیم در کردستان که در وجود متعدد و با اشکال گوناگون زحمتکشان کرد را تحت فشار قرار داده است:

اعتراضات توده‌ای در شهرها:

کارگران و زحمتکشان کردستان در اثر سیاستهای ضد مردمی و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی همانند زحمتکشان سایر مناطق ایران در سخت‌ترین و فلاکت‌آمیزترین شرایط زندگی بسر برده و زیر فشار سرکوب و خفقان رژیم قرار دارند. به دنبال موج اخراج کارگران از کارخانه‌ها در سراسر ایران صدها تن از کارگران در کردستان نیز اخراج و به ارتش عظیم بیکاران پیوستند. دهها تن از کارگران سازمان آب و ادا راه برق سنج، تعدادی از کارگران کوره‌پسز خانه‌ها، ادا راه راه‌آهن، تحت بهانه‌های مختلف بخاطر مقاومت در برابر بسیج جنگی رژیم از کار بیکار شدند. توده‌های زحمتکش خلق کرد، در خفقان آ میزترین شرایط همچنان به مبارزات خود علیه رژیم تداوم بخشیده و به مقابله آشکار با مزدوران پرداختند. بسیاری از شهرهای کردستان طی مدت سه ماه، با زهم‌نا هدا اعتراضات دکه داران علیه یورشهای وحشیانه

مزدوران به اموال نا چیز آنان بود. اعتراضات و نظاهرات توده‌ای در میانه سنج نشا شگر شدند اما این اعتراضات بود، و در مواردی هر چند که به دستگیری تعدادی از اعتراض کنندگان منجر شد. اما تا آزادی دستگیرشدگان ادا مسه یافت.

بسیج جنگی رژیم و اعتراضات توده‌ای علیه آن:

طی سه ماه گذشته، عموم مردم کردستان به بهانه بسیج جنگی، تحت شدیدترین فشارها و کنترل پلیسی قرار گرفتند. راه‌های ورودی و خروجی شهرها، معا بر عمومی و خیابانها تحت کنترل و بازرسی مزدوران قرار گرفت. تفتیش و خانه‌گردی شدت یافت. کارمندان و فرهنگیان و دانش‌آموزان برای رفتن به جبهه‌ها تحت فشار قرار گرفته و از آنها خواسته شدند تا به خدمت بسیج اجباری رژیم درآیند. دادن جواز کسب بی‌نامه رانندگان و کسبه منوط به داشتن پایان خدمت سر با زی گردیده و از این طریق، این اقشار نیز از کار بیکار شدند تا اجبارا به جبهه‌های جنگ بیروند. بسیاری از کسبه و از جمله کسبه پیرا نشهر، در صورت امتناع از رفتن به جبهه‌ها، تهدید به برداشت جریمه نقدی شدند. تعدادی از کارگران از جمله کارگران کوره‌پسز خانه‌ها، بخاطر نداشتن پایان خدمت از کار اخراج شده اند. کارگاه‌ها و صنوف مختلف نیز مکلف گشته اند از استخدام مشمولین خودداری ورزند. مزدوران افا فیه سر آنکه بر امواج دستگیری جوانان افزوده اند و خانه‌گردی‌های مستمر را پیش برده اند، از ضرب و شتم و گروگان گیری خانواده‌های مشمولین نیز خودداری نکردند و بردا منه فریقا ریها عوا مفریبی‌های خود افزودند. طرح ارتجاعی "سرباز معلم" و اینکه مشمولین میتوانند در روستای خود به "خدمت" سر با زی بپردازند، تلاشهای ریاکارانه رژیم در راستای سیاست‌های عمومی اش برای بسیج اهالی، ادا مه‌دا شده است. مزدوران رژیم، با برگزاری تجمعاتی از شورا‌های اسلامی مناطق و بخصوص منطقه در صفحه ۱۵

عملیات انفجاری دسته‌ای از سرمه چاران فدائی

در محور بندر چاه بهار - ایرانشهر

رژیم بسپرت اسلامی هر کجا که قدم می‌گذارد با اراده خلل ناپذیر خلق بلوچ و سرمه چاران قهرمان فدائی آن روبرو می‌شود. رژیم با تمام تجهیزات ویرانگر خود و خسیل نیروهای انسانی خود اعم از سپاه، بسیج و ارتش و... قادر نیست تا زحمتکشان بلوچ را از مبارزه برای تحقق آرمانهای انقلابی خود باز دارد. واقعیت‌های سرخس مبارزه کنونی هر روز و هر ساعت و با قدرت هر چه بیشتر، اراده خلل ناپذیر این خلق قهرمان را آشکار ساخته و آرمان حق طلبانه و دمکراتیک آنها در غرض مسلسل‌های سرمه چاران، در هر گوشه بلوچستان فریاد می‌زند و بر سینه مزدوران رژیم حک می‌نماید. امروز دیگر این واقعیت انکار ناپذیر است که رژیم هر جا که پا نهاده است با گلوله و انفجار خشم خلق و درمهلکه مرگ‌ونیستی مواجه گشته است.

طی عملیات متهورانه دسته‌ای از سرمه چاران فدائی یکی از پلهای استراتژیک منفجر گشت. این پل از آن جهت مورد هدف عملیات انفجاری واقع شده که بر روی محور بندر چاه بهار - ایرانشهر قرار گرفته است. رژیم از این جاده بیشترین محموله‌های نظامی و مصرفی مورد نیاز خود را ماهیانه توسط ۱۸۰۰۰ تریلر حمل و نقل می‌کند. (اهمیت این جاده قبلا طی مقاله ای در بامی استار شماره ۴۰ درج گردیده است).

این عملیات در ساعت ۱۱/۵ شب ۲۷ خرداد ماه صورت گرفت. طبق برنامه طرح ریزی شده قبلی، سرمه چاران پس از عبور از چند پایگاه دشمن، پل چشامک، کور - منطقه سرباز - واقع در ۱۷۰ کیلو متری ایرانشهر را منفجر کردند. سرمه چاران فدائی قبل از انجام عملیات نسبت به شعار نویسی اقدام کرده و پس از انجام عملیات با پخش اعلامیه‌های سازمان، با هشیاری و نظم انقلابی عقب نشینی کرده و همگی سالم به پایگاه خویش باز گشتند.

پیروز باد جنبش انقلابی خلق بلوچ

دراعتزاز باد پرچم خونین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا و پایگاه داخلی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - سیستان و بلوچستان

توجه بساسهای معاشات طلبانه! یا ه ه

جای داده است، رهبری این بلسوک طبقاتی نیز در دست بورژوازی کرد است. کردستان جایی بوده است که در این مدت کمونیست ها در آنجا حضور داشته و دارای آزادی تبلیغ و فعالیت بوده اند، نمی توان این آزادی را بدون نقش و عملکرد حزب دمکرات در نظر گرفت.

چنین است اوج بی برنامگی و یک موضعگیری خاصانه و کاسکارانه در مقابل یک نیروی بورژوازی ایران که رکر حفارت خود را در مبارزه طبقاتی و لذا بر خورد با نیروهای سیاسی با پایه اشتغال کشاندن نظریه مبارزه طبقاتی، ماهیت طبقات و نمایندگان سیاسی آن از یک سو، و از سوی دیگر با تحریف در نقش و عملکرد آن نیروی سیاسی که قصد تطهیرش را کرده است، می پوشاند.

راهکارگر ابتدا ماهیت طبقاتی حزب دمکرات را منقوش میکند، تا از آب گل آلود کرده اش بتواند ماهی بگیرد... راهکارگر حزب دمکرات را بیلوکسی از بورژوازی، خرده بورژوازی و زحمتکشان معرفی میکند که البته و برای خالسی نبودن عریصه، رهبری اش را به بورژوازی کرد می سپارد. اما این الطوب راهکارگر برای تعیین طبقاتی حزب نه فقط در حال حاضر راه را برای هرگونه جلسو و عقب زدن کاملاً باز میگذارد، چرا که هنوز زحمتکشان هم جزو این بلسوک هستند، بلکه برای تغییر موضع در آینده و برای هربندوبندی نیز در راه چهارطاق باز میگذارد، تا عدداً اگر راهکارگر رگرایی در کفش نداشت، فهم این مسئله نمیتوانست مشکل باشد که مثلاً بدلیل اینکه حزب جمهوری اسلامی حزبی است مرکب از برخی کارگساران حزب الهی، کاسکارها و تجار و غیره نمی توان به این نتیجه رسید که بنا بر این یک حزب اشتلاف طبقاتی است و یا بدلیل اینکه اکثریت افراد تشکیل دهنده حزب کارگساران و کارگران تشکیل میدهند، این حزبی است عمدتاً کارگری (بسمای دقیق کلمه).

اما این اعتناش آفرینند... راهکارگر تمام می نیست، راهکارگر بنه مثابه جاده مافکن بورژوازی از این اعتناش آفرینی قصد دارد که نقض و عملکرد آزادیخواهی و دمکراسی طلبی را به حزب دمکرات واگذارد، و از همین رو پس از سخن این زیورینا، برای آن که روینا پیش هم چشمگیر باشد، به تحریف آشکار میبرد از دو آزادی تبلیغ و فعالیت کمونیست ها را از صدها حزب دمکرات ارزیابی میکنند و همه را فسر میخوانند، این که نکند زمانی نقض و عملکرد حزب دمکرات را در این مورد در نظر بگیرند.

راهکارگر میخواست به توجیه سیاستهای معاشات طلبانه اش در رابطه با حزب دمکرات بپردازد، اما کسار را خرابتر کرد، آمدار برایش را درست کند، چشمش را هم کور کرد.

در حقیقت سوال کنندگان راهکارگر اعتراضشان به مقاله ای است بنا منقض دمکراسی گناهی نا بخود نمی که فعلاً در بیست و یکمین شماره نشریه راهکارگر چاپ شده بود و سوال کنندگان مطرح کرده اند که در آن مقاله راهکارگر نشان شل آمده است، اما نگاه می بسط مطالب همان مقاله که مورد اعتراض هم قرار گرفته مشخص میکند که اولاً راهکارگر با چه سرعتی طی چندین شماره معاشات طلبی اش را تکمیل کرده است و ثانیا نشان میدهد که راهکارگر در پیاسخ به معترضین و برای جانداختن سیاستهای فرصت طلبانه اش به چه تحریفاتی در مورد نقش و عملکرد حزب دمکرات در رابطه با آزادی و دمکراسی دست میزند.

در حالیکه راهکارگر در پیاسخ به اعتراضات پیروانش نسبت به موضعگیری های پیرامون دمکراسی و حزب دمکرات مطرح میکنند که: "کردستان جایی بوده است که در این مدت کمونیست ها در آنجا حضور داشته و دارای آزادی تبلیغ و فعالیت بوده اند و نمیتوان این آزادی را بدون نقش و عملکرد حزب دمکرات در نظر گرفت"، در مقاله نقض دمکراسی گناهی نا بخود می که به علت خویشتن داری از بیان کل مطالب و انتقاد آتکی از نقض دمکراسی مورد اعتراض و چون و چرا قرار گرفته، نوشته

بود که: "نقض عملی اصول دمکراتیک از جانب نیروهای حزب دمکرات کدا خبرادر چند مورد عملاً اختلافات سیاسی را تا حد برخورد های فیزیکی با نیروهای دستگیر پیش برده اند... مضمون چنین عملکردها یی که عملاً عبارت بوده اند از نسدم تحمل آراء و عقاید دیگر نیروهای مخالف حزب و نشان دادن عصیبت در مقابل آنها تا حد در درونی های فیزیکی، عدم رعایت اصول و موازین دمکراسی از جانب نیروهای حزب دمکرات."

می بینید؟ حتی از زبان الکسن رفرمیستهای ما، دامنه عملکرد دمکراسی و اعتقاد به دمکراسی را از سوی حزب دمکرات می بینید؟ راهکارگر البته در افشاء اعمال فد دمکراتیک حزب دمکرات زیانتش الکن است، چون از زاویه ای رفرمیستی و با آرزوی اشتلاف با احزابی نظیر حزب دمکرات، دمکراسی را تبلیغ میکند و بزبان خودش اساساً اعتقادی به طرح دمکراسی از دیده گساره طبقاتی ندارد، از اینهم بگذریم کسه راهکارگر در کمال فرصت طلبی سیاستهای حزب دمکرات را به نیروهای حزب دمکرات نسبت میدهد، با این وجود همین میزان اعتراف راهکارگر نسبت به اعمال حزب دمکرات، هرگز کدک دبستان را هم ب فکر میاندا زده که پس چگونه است چنین حزبی که نمیتواند حتی آراء و عقاید منالسنف نیروهای دیگر را تحمل کند و کارایسه درگیریهای فیزیکی میکشاند چه نقض و عملکردی در اعمال دمکراسی و آزادی در کردستان - آنهم برای کمونیست ها - می تواند دارا باشد؟

اما راهکارگر رفرمیست ما پارا در یک کفشی کرده که خیر! ما باید نگرگسزار حزب دمکرات باشیم که به مسا آزادی و دمکراسی اعطا میکند و لذا هر جا که اختلافی در کار است، با تذکرو انتقادی ناصحانه همه چیز میتوان در شاهراه آزادی و دمکراسی قرار گیرد، و از همین روست که راهکارگر پیروان منترض خود را مخاطب قرار میدهد و میبویند:

"بله رفیق، ما فکر میکنیم که تجربه شش سال گذشته و مبارزه حزب دمکرات در سکر دمکراسی و خود مختاری، به داتتن چنین انتظاری و لاجرم انتقاد، بد نقضی در صفحه ۱۴

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

شورای اسلامی، ابزاری در خدمت ه ه ه

تلاشهای بی وقفه مزدوران رژیم برای راه اندازی و استفاده از این "شوراها"، مخصوص دژ را بطه با سر با زگیری اجباری را عزام مشمولین به جبهه های جنگ ارتجاعی، ایضا دوسمی بخود گرفته است. مزدوران با اعمال فشار و کنترل سربر این "شوراها"، از آنان می خواهند که کمال همکاری را داشته باشند و در این زمینه با رها ب و تهدید تیز ستیاب شده اند.

نمونه دیگری از با صلاح فصال کردن این "شوراها"، کوششهای رژیم در روستاهای اطراف مریوان است. منطقه مریوان یکی از نقاط مهمی بوده است که رژیم با اصرار فراوان سعی در گستراندن این ارگان ها در آن داشته است. تلاشهای رژیم برای ایجاد شورا های اسلامی روستائی در سال ۶۳ و سپس کوششهای داده را و در پیاپی ۶۴ نشانگر اهمیت بین چنین نهادی در این منطقه برای رژیم است. هر چند که تکرار این گونه و ششها خود در عین حال مبین عدم استقبال شده ها از اینگونه نهادها و عدم مشارکت فعال آنان و در واقع عدم رغبت رژیم در پیش برد سریع و همه اشبه اهداف ارتجاعی رژیم نیز است. در پیاپی سال گذشته از اهالی روستاهای منطقه خواسته شد تا دوازده مراز هر روستا بعنوان نماینده معرفی کنند سپس خود مزدوران پنج نفر از آن را بعنوان اعضاء "شورا" برگزینند. نالی روستاها با اعتراف، تنفر خود را از شگونه "شورا" ها اعلام داشتند، اما عوض مزدوران رژیم نیز با تهدید و غاب و ایجاد مانع و محدودیت در امر دگی توده ها از قبیل قطع کوبین خوار با و غیره و خلاصه با اعمال خونسخت و کوب سعی در ایجاد چنین ارگانهای شده اند.

امسال نیز همزمان با برگزاری بنا رهای سراسری شورا های اسلامی در استان کردستان، جلسات و سمینارهای متعددی با شرکت شورا های اسلامی های مختلف این ناحیه برگزار شده و از آنان خواسته شده است تا در تایش پر داهنا فر رژیم فعال تر و

بی گسرترا شد و بویژه در ارتجاعی و سرا زگیری اجباری توده ها را ترغیب و تشویق نمایند و آنان را به تمکین و دارند!

بخش "نامیان" مریوان، از جمله مناطقی بوده است که ظرف مدت فروردین ماه سال جاری تا کنون، چندین بار ناظر برگزاری جلسات مشترک مقامات دولتی و این "شورا" ها بوده است. اخیرا پس از دود ویر برگزاری جلسات وسیع با "شورا" های بخش "نامیان"، برای سومین بار تعدادی از این "شورا" ها را در روستا "سرو آباد" گرد آورده و از آنان خواسته اند تا برای تحقق اهداف ارتجاعی رژیم تلاشهای جدی تری را بکار بندند. فرماندار مزدور شهر مریوان، همسراه دیگر مسئولین دولتی در این جلسات سخن رانی کرده و هر یک به نحوی سعی در جلب همکاری بیشتر این "شورا" ها و مشارکت فعال تر آنان و در ضمن حرکت عملی در جهت بر آوردن نیازهای رژیم نمودند. مزدوران در اینتهای صحبت های خود، قطعنامه های تیز صادر کردند و ضمن تهدید "شورا" ها، از آنان خواستند تا با موافقت کنند با از جمله موادی که در این قطعنامه آمده است، حمایت از مصوبات مجلس شورای اسلامی در رابطه با جنگ ارتجاعی ایران و عراق و تعیین مهلت معین برای معرفی مسئولین و همچنین وفاداری به "امام" ... بسوده است.

آخرین نمونه این تلاشهای هدفمند، گرد هم آئی مسئولین روابط عمومی در چهار دهه های سازندگی سراسر کشور در سنج مورخ ۶۵/۴/۲۲ بود، که "نحوه تشکیل مراکز آموزشی نیروهای مهندسی جنگ در مراکز استان ها" و همچنین "جمع بندی فعالیت های سرگرمها هنگی شورا های اسلامی روستائی" را مورد بحث و بررسی قرار داد. فعالیت هما هنگی شورا های اسلامی روستائی، استفاده بیشتر از روستا ثیان در مسئله جنگ شرکت توده ها در آرزوی اخیره چگونه بهره گیری از ابزار "شورا" ها و فعال تر نمودن آنان در این زمینه، محور بحث ها و گفتگوهای سران مزدور رژیم بوده است.

لاهیجائی عضو شورای مرکزی و قائم مقام وزیر جهاد سازندگی، در یک محاسبه مطبوعاتی، موضوع و نتایج حاصله از گرد هم آئی را چنین توضیح میدهد: "در این نشست، مشارکت هر چه

بیشتر روستا ثیان از طریق همکاری شورا های اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به دستورالعملها و ویژگیهای جدیدی که در وضع جبهه های تیز وجود آمده است، پیشنهاد بر اینست که ریزی جذب را در سازماندهی آموزش نیروهای مردمی ... لازم بود برنا مه ریزی خاصی داشته باشیم و روی این مسئله نیز بحث و تبادل نظر شد" (گفتا را دیوسنندج - ۶۵/۴/۲۲)

این جملات بیان شده از زبان سران رژیم، خود به بهترین شکلی گویا اهداف رژیم است و مقاصد را که برای آن تلاش میکند، آشکار میسازد. شما می شوا هد میاید این نظرات که رژیم با اختتام انرزی زیاد و با "بهرتاه ریزی خاص" در مدد پیش برد اهداف ارتجاعی از کاتال شورا های اسلامی روستائی در کردستان میباید.

اکنون این نهاد های ارتجاعی، هر چند با درجات متفاوت، اما همگی فعالیت های خود را مطابق رهنمود های داده شده آغاز کرده اند تا رژیم را در تمکین اهالی کردستان به خواست های ارتجاعی یاری کنند.

شده های خلق کرده ما در این روستاها با ایده هوشیاری انقلابی خود را در چندان کنند، اگر چه در بسیاری از روستاها، رحمتکشان خلق کرد با تنفر و نزاجا به این "شورا" ها نگریسته و حاضر نیستند هیچگونه همکاری با آنان داشته باشند، اما آنان باید بدانند که شورا های اسلامی ارگانهای وابسته به رژیم و ابزاری در خدمت جنگ میسای باشند. روستا ثیان با یاد آگاه باشند و بدانند که اگر در میان این "شورا" ها عناصر روستا نمونه های یافت میشوند که در مقابل خواست مزدوران رژیم مقاومت کرده و یا آنکه بطور فعال و همه جانبه با رژیم همکاری نمیکند، این یک امر عمومی و یاد آشی نیست. نباید فراموش سازند که قطعاً حرکت این "شورا" ها در تداوم جود این خلا را نیز بر کرده و همچون سایر شورا های اسلامی درست در اختیار رژیم و در خدمت منافع او قرار خواهند گرفت. روستا ثیان زحمتکش، هیچگونه توهمی نسبت به شورا های اسلامی نباید داشته باشند. توده های خلق کرد با یاد بکوشند تا تحریم این شورا های ارتجاعی، نقشه های رژیم را با شکست مواجه سازند، آنسان

کومه‌له، رادیکال دره ه ه

وگرنه کیمت که نداند بدوناً نفسلاب دمکراتیک توده‌ای در یک کشور، بدون آنکه این انقلاب توسط یک سازمان نیرومند و ولستری (حزب کمونیست) رهبری شود و امری در کردستان با انقلاب دمکراتیک توده‌ای سراسری در یک جریان واحد و نیرومند ادامه گردند، ملت کرد نمیتواند بر شوشت خود را بدست گیرد و بر آن حاکم گردد! مگر شما می‌شواهد و تحارب عینی در کشور ما، ترکیه و غیره جز ناشیدی برای این حقیقت بوده است؟

اما گوش کومه‌له بدهکارا این صحبت هانیمت، او اصولی (؟) ویژه دارو از این رو خود را مقید به رعایت اصول و قانونمندیهای مبارزاتی نمیبیند، هر چند که این اصول صحت و حقانیت خود را در عرصه براتیک اجتماعی بدشووت رسانده باشد! کومه‌له برای حل (؟) مشکل ملی و مسئله ملی در کردستان، راه حلی ویژه دارد، راه حلی که در اساس با تکیه بر همان منافع و تسایلات تنگ نظرانه و ناسیونالیسم خرده بورژواشی، که در عمل سه دنساله روی از ناسیونالیسم بورژواشی می‌انجامد، ترسیم میشود. لنین، پاسخ امثال کومه‌له را پیش از این چنین داده است.

"بگذار بورژوازی مردم را بسا برنامهای ملی "مثبت" گوناگونش بفریبد، کارگریکه شعور طبقاتی دارد به بورژوازی پاسخ خواهد داد که فقط یک راه حل برای مشکل ملی وجود دارد (تسا) آنجا که بطور کلی این مسئله در دنیای سرمایه داری، دنیای سودقار و استثمار قابل حل است (؟) و آن راه حل، دمکراسی پی گیر میباید." (لنین: ملاحظیات اشتقادی درباره مسئله ملی - تاکید از ما)

و اما کشف اصول ویژه و ترویج این ایده‌های متعصبانه از جانب کومه‌له، نباید چندان هم تعجب آور باشد. در دستگافه فکری کومه‌له، ابدا غایتی از این دست کم دیده نمیشود. مسئله بر سر این نیست که کومه‌له پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد و کسب حق تعیین سرنوشت خویش را، بدون پیوند با جنبش سراسری و بدون تحقق دمکراسی پرولتاری کسه

یگانه دمکراسی پی گیر است ممکن می شمارد، بلکه اساسا مسئله بر سر درک کومه‌له از پیروزی جنبش خلق کرد است. کومه‌له در همان "جمع بندی"، شمار "پایه‌ای" و "اساسی" اش را "خروج قوای جمهوری اسلامی از کردستان" (صفحه ۱۳) قرار داده است و بحق همین شعسار "اساسی" را، "پیروزی جنبش کردستان" معنی میکند. او میگوید:

"پیروزی جنبش کردستان - یعنی درهم پیچیدن و بیرون راندن قسوا ی اشغالگر جمهوری اسلامی از کردستان و استقرار حاکمیت انقلابی توده‌های مردم کردستان - بدون شک حاصل یک انقلاب توده‌ای با همه ابعاد، عرصه‌ها و ابزارهای آن است" (صفحه ۶۰)

چنین است درک بسیار عا لسی کومه‌له از پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد و بیا آنطور که کومه‌له مینامد "جنبش کردستان"! "در هم پیچیدن و بیرون راندن قوای اشغالگر" که آشهم حاصل یک انقلاب توده‌ای "با همه ابعاد"؟ "شرمصا" و "ابزارها"ی آنست!

اگر فکر میکنید که ممکن است کومه‌له دست از کنگلی باقی‌های مکرر و خسته کننده بردارد و تلمه حرف مریخ و حسابی بزند، در اشتبا هید، عدم صراحت و مهم‌گویی، دیگر به جز "لایتجراشی از وجود و بدل شده است، اما این کلسی با فیهما و بپرده‌پوشی‌های جیونانسه، مانع از آن نیست که درک به غا یست انحرافی او از پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد مستور بماند، کومه‌له دو سال پیش نیز استرا تژی خود را بر همین "سر چین نیروهای سرکوبگرا از کردستان" و با "خروج قوای اشغالگر" قرار داده بود و در برنامهای که امروز ما بر آن صه گذاشته است چنین میگوید:

"ما برای کسب حق تعیین سرنوشت و بدست آوردن خودمختاری از طریق جنبش انقلابی مسلحانه خلق کرد، بسا استراتژی درهم شکستن و برچیدن نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی از کردستان مبارزه میکنیم... (برنامه کومه‌له برای خودمختاری، صفحه ۶)

اینست روش کومه‌له برای کسب حق تعیین سرنوشت و درک عمیق او از پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد! که مدام بر آن پای نکرده است و با اظهارات دانشمندانه‌ای همچون:

"برچیدن نیروهای سرکوبگر

جمهوری اسلامی از کردستان " بیرون راندن قوای اشغالگر جمهوری اسلامی از کردستان " "خروج قوای جمهوری اسلامی از کردستان "

آنها بیان داشته است، این کلمات و جملات که حتی در ظاهر نیز چندین تفاوتی ندارند، همگی دارای مضمونی واحد و یگانه اند که در "جمع بندی مباحث کنگره کومه‌له"، "برنامه کومه‌له برای خروج سختاری و یادگیری شرایط او ببنسیرا ن شعار پایه‌ای و استراتژیکی، عنوان گردیده و مبنین دیدگاه او در باب پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد است.

در حالیکه پرولتاریای ایران سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی را در دستور کار قرار داده است و درهم شکستن ماشین بوروکراتیک نظامی بورژواشی پیش شرط انقلاب پیروزمند ایران و با پیروزی جنبش انقلابی خلق کرد محسوب میشود، کومه‌له "بیرون راندن قسوا ی اشغالگر" "خروج قوای جمهوری اسلامی از کردستان" و... را در پیوستش روی "پرولتاریای کردستان" میگذارد.

این درک، نخبگان کومه‌له‌ای از "پیروزی جنبش انقلابی کردستان" گاه به آنچنان ساده اندیشی و سطحی نگری مبدل میشود که، کومه‌له حتی پیروزی خود را در جنگ و با پیروزی پیشمرگان خود را در سردسای نیروهای سرکوبگر و "شکست قوای جمهوری اسلامی"، همان پیروزی جنبش خلق کرد قلمداد میکند.

"تا مین پیروزی جنبش انقلابی کردستان، محمول عملکرد نیروهای مادی و اجتماعی است که در عرصه این مبارزه عمل میکنند، مبارزه را به پیش میبرند و قادرند انرژی و توان مورد نیاز برای پیروزی را آزاد سازند و جمهوری اسلامی را شکست دهند!" (صفحه ۸)

اگر بخوایم این عبارت پسر طنزاتی کومه‌له را به زبان آدمیزاد بر کردانیم و زواید کنگلی آنرا که دردی هم از کومه‌له دوا نمیکند حذف کنیم، معنی آن چنین میشود، با شکست جمهوری اسلامی "پیروزی جنبش انقلابی کردستان" تا مین میشود. نیروهای رژیم جمهوری اسلامی چنانچه در جنگ با پیشمرگان کومه‌له دچار شکست شوند، "پیروزی" مورد نظر کومه‌له هم تحقق یافته است. اینست آن "تصویر روشن از افق پیروزی

کومه‌له، رادیکال دره . . .

بش که کومه‌له "در برابر توده‌ها
ارمیدهد" !
وقتی که پیروزی جنبش خلق کرد ،
روح قوای اشغالگر از کردستان تعلق
د ، وقتی که پیروزی جنبش انقلابی
دستان ، همان شکست جمهوری اسلامی
شد ، و وقتی که درک کومه‌له از مسائل
این درجه نازل ، عقب مانده و محدود
ت ، بر او هیچ ایرادی نیست اگر تحت
وان ! "مارکسیسم انقلابی" و "داعیه
فداری از طبقه کارگر ، بنجل های
قانی متعلق به دوران تولید خود را
خراج نشسته و ایده های ناسیونال -
بسیستی را اشاعه میدهد .

کومه‌له پس از "مرور بر اوضاع
دستان" و تصویر بسیار روشنی ! که از
فق پیروزی "جنبش خلق کرداراشه
دهد ، میخواهد مروری هم بر "نیروهای
جین کننده" این "پیروزی" داشته
شد ، از اینرو در "جمع بندی" خود به
اره کردن "نیروها" (؟) و جریانات
بین کننده ای که در پیروزی ایمن
ش نقش کلیدی و حیاتی دارند " (ص ۶)
جیرازد ، و در این زمینه آنقدر به
راط در بیپهوده گویی های دور و دراز
ار میشود و به پراکنده گویی های بی
تبادا من میزند ، تا مگر گنج گیری و
فته گیری خود را به خواننده شیبز
تخال دهد و ذهن او را از مسئله اصلی
ر نماید ، و از نیروهای مختلفی که
بر حال به جمهوری اسلامی فشار می
رند " سخن میگوید :

"زمین نیروهای مختلفی که
بحال به جمهوری اسلامی فشار می آورند
نیرو یا سه جریان اساسی وجود
ند که قادرند در صورت بهم یافته شدن
بیوری اسلامی را به زانو در آورند"
صحه ۸) پس این نیروها را چنین
مرد گسترش جنبش کارگری ، "بقا و
جنبش همگانی دمکراتیک بر سر مسئله
، و دمکراتیسم معین در کردستان" ،
بر با ندن و رشد مبارزه مسلحانه " و در
راینها خنثی کردن عنصر ارزش " !
نده ای که این قسمت از "جمع بندی"
ظالمه کرده باشد ، متوجه این نکته
است که ، کومه‌له بپنوا ، به هر دری

میزند ، آسمان و زمین را بهم میباند ،
هر نیروی را که "بهر حال برجسته‌وری
اسلامی فشار میاورد" نه تنها به حساب
می آورد و مدت ها روی آن بحث میکند ،
بلکه آنرا اساس تعیین کننده نیز می
خواند ، تن به هرگونه خرده کاری می
دهد ، همه چیز را بهم میباند ، برای آنکه
قادر گردد . جنبش کردستان را آنطور که
خود میخواهد به "پیروزی" برساند . او
بخاطر آنکه از جنبش کمونیستی ایران ،
از رهبری طبقه کارگر و از پیوندهای رزات
کارگران و زحمتکشان کردستان و دیگر
نقاط ایران سخن نگوید ، به همه ایمن
تلاشهای عبت جنگ میزند و خود را مشغول
میدارد ! و الحق که استعداد اشکرف خود
را در تئوری با فیهیای پوچ و بی محتوا ،
به نمایش میگذارد . کومه‌له حاضر است
از انواع اقسام نیروها اسم ببرد ، نه
تنها از یک نیرو ، بلکه از چندین نیروی
تعیین کننده سخن بگوید ، تا مسئله
اصلی را در پی این پراکنده گوئی ها
پنهان کند و از کرامل مطلب طفره رود
و در یک کلام ، کومه‌له برای آنکه چیزی
نگوید ، حرف زیاده میزند !
بی اعتقادی کومه‌له به ضرورت
اعمال رهبری طبقه کارگر ایران بر
انقلاب ، موجب آن میشود که فقط از
"جنبش کارگری" "نهم در سطح کردستان
صحت کند ، ناسیونالیسم و ناپیگیری و
در مردمکراسی با عت آن است تا به
"رشد جنبش ملی در کردستان" و "دمکرا -
تسم معین" بپردازد ! او محدودنگری را
حتی به آنجا میرساند که میخواهد اول
"کار رژیم را در کردستان یکسره کند" ،
کومه‌له از آنجا که نیروی محرکه
خود را در جنبش خلق کرد و در اقتار تولید
کنندگان خرده هقانی بازمی یابد ،
استراتژی پرولتاریای ایران را عملا
تابع مصالح جنبش خلق کرد می سازد و به
این جنبش ، جدا و مستقل از مبارزه
پرولتاریای ایران بر علیه بورژوازی
می نگرند ، و قصد آن دارند که ابتدا ،
قوای جمهوری اسلامی را از کردستان بیرون
کند ! - تا به زعم خود کار رژیم را بسک
سره کرده باشد ! - و سپس "حکومت خود
مختار انقلابی را سازمان دهد" و "آلتر -
نا شیو خود را جانشین کند ، و میگوید :
"با بدست آوردن در را س توده های
مردم کردستان و با به حرکت در آوردن
سریع نیروهای که پیش تر توضیح داده
شد (منظور همان نیروهای تعیین کننده

و یا اساسی است !) ، کار رژیم را در اس
جا یکسره نمائیم و حکومت خود مختار
انقلابی کردستان را سازمان دهیم"
(ص ۱۱ - پرانتز از ما)
کومه‌له ، برآستی از این طریق هم
حوزه عمل خود را بیش از پیش روشن
می سازد ، و هم وفاداری و تعلق خاطر
بیش از حد خود را به ناسیونالیسم
دیرینه ! ، او هم جنبش کردستان را بر
جنبش سراسری مقدم می شمارد ، و هم امر
ملی را بر امر پرولتاریا .
ناسیونالیست های بورژوازی
گویند که امر ملی در درجه اول و امر
پرولتاریا در درجه دوم قرار میگیرد ، و
بورژوازی ها ، دوست ها و دشمن ها
ما را کسب ها بعد از این ها نیز آنرا
تکرار میکنند ، ما میگوئیم امر
پرولتاریا باید مقدم باشد ، چرا که نه
تنها منافع مداوم و پایهای کارگر و
بشریت ، بلکه منافع دمکراسی را نیز
حمایت میکنند و بدون دمکراسی نه یک
اوکرایین خود مختار قابل تصور است و نه
یک اوکرایین مستقل " (لنین : ملاحظیات
انتقادی . . .)

اما کومه‌له با این اصول بیگانه
است ، او هم به دمکراسی پی گیر بسی
اعتقاد است و هم آنکه طرفدار نوعی "خود
مختاری" است که در چهار چوب یک حکومت
بورژوازی مرکزی دست یافتنی میباشد
و مهمترین آنکه ، اهداف او را بر آورده می
سازد ، برای کومه‌له مهم نیست که
حکومت مرکزی چه ما حیثیتی دارد ، و
دمکراسی او چه معنی میدهد ، برای او
مضمون دمکراسی جنبش های ملی نیز
چندان اهمیتی ندارد ، برای کومه‌له
مهم اینست که قوای رژیم از کردستان
بیرون برود ، اما او "حکومت خود مختار"
خود را سازمان دهد . گنه تفکر کومه‌له
اینست که برای مسئله ملی مطلقیت
قائل است و آزادی ملت کرد را ، منوط به
پیروزی طبقه کارگر نمیداند ، او چشمهای
خود را بر روی همه واقعیات می بندد و
قادر به دیدن در آمیختن ملت ها در
وحدتی بالاتر از وحدت ملی که خارج از
اراده ، و خواست امثال کومه‌له تحقق
مییابد و چوب رچوب های تنگ جغرافیائی
و فرهنگی را درهم میریزد ، یعنی وحدت
پرولتری نیست ، وسیع میکند تا بسا
قیافه ای حق به جانب ، ناسیونالیسم
خود را عادلانه جلوه داده و به پاری الفاظ

کومه‌له، رادیکال دره

مارکسیستی به پالایش آن بپردازد، تا هر شکل ممکن آنرا با مارکسیسم آشتی دهد. اما این ناسیونالیسم پالایش یافته در هر حال ناسیونالیسم است و مارکسیسم را با ناسیونالیسم هیچگاه آشتی نبوده است!

"مارکسیسم با ناسیونالیسم سرشتی ندارد، حتی با "عادلانه ترین"، "ناب ترین"، "پالایش یافته ترین" و "متمدنانه ترین" نوع آن، مارکسیسم بجای حاکم اشکال ناسیونالیسم، انترناسیونالیسم را پیش میبرد، یعنی در هم میخشد تمام ملتها در وحدتی بالاتر، جدتی که در برابر چشمانمان و با هر میل آه آن که ما خسته میشود، با هر تراست حین الطلی و هر انجمن کارگری که تشکیل گردیده است (انجمنی که نه تنها در فعالیت های اقتصادی اش بلکه، نظرات و اهدافش نیز بین المللی است) در حال گسترش است." (لنین: ملاحظات انتقادی درباره مسئله ملی، تاکید از ماست)

و اما آن آلترونا تیو بی بدیلی نه کومه‌له پس از "بیرون راندن قوای شانلگر" و "یکسره کردن کار رژیم" به رمان می آورد، بسیار جالب توجه است کومه‌له میخواهد پس از "به زانو آر آوردن" رژیم حکومت مورد دلخواه بود، یعنی "حکومت انقلابی مردم" را بجا ندرده و "حاکمیت مردم" را نیز برقرار سازد! اگر کسی بخواهد مختصات خارهای کومه‌له را که فشرده به پیش او را بیان کند، ترسیم نماید، این شماره ها هورت زیر در میآید.

"برچیده" باد "نیروهای سرکوبگر مجوری اسلامی از کردستان" زنده باد "حکومت خودمختسار انقلابی در کردستان".

برقرار باد "حاکمیت مردم" اینست تجسم آن همه هوش و ذکاوت و مهله! "حاکمیت مردم"!! اما این دست پخت کومه‌له، این حاکمیت مردم چه هست و به لحاظ سیاسی حاصلتی دارد؟ ترکیب و تشابح قوای ستاشی در آن چگونه است؟ معلوم نیست. این "مردم" از چه گروههای اجتماعی

تشکیل یافته اند و چه کسانی هستند؟ یا کارگران و زحمتکشانند؟ یا خورده بورژوازی نیز جزو این "مردم" اند؟ باز هم معلوم نیست.

در این "حکومت انقلابی مردم" و یا "حاکمیت مردم" آیا بخشی از مردم، بربخشی دیگر حکومت میکنند یا نه؟ و آیا اینکه قدرت سیاسی در دست کیست؟ دیکتا توری چه طبقه ای علیه چه طبقه و یا طبقاتی اعمال میشود؟ دولت ازگان سیادت کدام طبقه است؟ دمکراسی برای چه طبقه ای است؟ ... پاسخ هیچیک از این سوالات در آلترونا تیو ابداعی کومه‌له روشن نیست.

رادیکالیسم خرده بورژواشی کومه‌له که متمایز از رادیکالیسم پرولتری است، فقط تا این حد پیش می رود که "حکومت انقلابی مردم" را بطور کلی طرح کند. رادیکالیسم کومه‌له، یک رادیکالیسم شکلی بهش نیست و بطور کلی بر رادیکالیسم پای می فشارد ساختمان این رادیکالیسم اما در عمل و در تظاهرات حا طبقه ای و یا آنجا که حرکت از عوام به خاص آغاز میگردد، بکلی در هم فرو میریزد.

دمکراشای ناپیکیرما، این حاکمین دمکراسی خرده بورژواشی قادر به درک این مسائل و پاسخگویی به آن نیستند، آنان همواره از پاسخ به این سوالات مشخص شانه خالی کرده اند. عدم صراحت و سکوت، شاید موجب آن شوند که مشت کومه‌له بیش از اینها بازنشود! از اینرو با ظفره روی از بر خورد مشخصی سعی میشود مرز میان طبقات که امروز بیش از هر زمان دیگری تفکیک شده است در هم ریخته و مخدوش شود.

"حاکمیت مردم" کومه‌له، جز آنکه تفکرات عمو خلقی را اشاعه دهد، و جز آنکه نوشته های نشریه "مردم" را در ذهن خواننده تداعی کند، هیچ مسئله مشخص دیگری را پاسخ نمیدهد. در حکومت مورد نظر کومه‌له، نه تنها هیچ طبقه ای بر هیچ طبقه و یا طبقات دیگری اعمال قدرت نمیکند، بلکه همه در کنار هم و در صلح و مفار و برادری به سر میبرنند! کومه‌له کاشف آنچنان دولتی است که حامل هیچگونه مضمون طبقه ای نیست! دولتی در خلا، دولتی ما و راه طبقات، دولتی عمو خلقی! این پیش عمیقاً پوپولیستی کومه‌له، بیخ گوش و در دامن سهند که خود را "مبتکر" مپارزه بسا

پوپولیم و انمود میکنند، ضمن آنکه بسیار جالب توجه است، درجه جدی بودن سخنان قلمزن های دیررسیده، سهندی را نیز روشن مینماید.

چنین است که کومه‌له، این پرچم دار ناسیونالیسم دهقانی و مدافع اقتصاد دخره، میخواهد در یک جنبش "حکومتی" سوسیالیزم را نیز بنا نهد! اما روشن است که سوسیالیسمی که در یک "حکومت خلقی" توسط یک "دولت خلقی" بخوابد بنا نهاده شود، جز سوسیالیسم خلقی (دهقانی) چیز دیگری نمیتواند باشد.

کومه‌له در "جمع بندی" خود، البته که سیاست اقتصادی حکومت مسوزده دلخواهش را نیز بنا روشن و در ابهام گذاشته است. او ظاهراً وعده داده است تا "سیاست اقتصادی این حکومت را روشن و تدقیق نماید" (صفحه ۱۱) هر چند که از جانب کومه‌له چنین حرکتی بسیار بعید مینماید، اما این تدقیق بطور قطع نمیتواند فراتر از چهار چوب سیاستهای کلی و پیش عمیری کومه‌له باشد. دمکراسی کومه‌له در عرصه اقتصاد، به همان نسبت از ناپی گیری برخوردار است که دمکراسی سیاسی او.

کومه‌له از همان زمان که بسودن توجه به اصول اساسی مارکسیسم و بویژه بدون توجه به مبانی لنینی تشکیل حزب و همچنین تجارب ارزشمند جنبش کمونیستی ایران و جهان، به پرولتریزه کردن گام بگام تولد کنندگان خرد آغاز نمود و همانا ن کردستان را بجای طبقه کارگر ایران نشانده، در واقع امر ماهیت "حزب کمونیست" ادعای خود را نیز برملا ساخت. تجمع بخشی از اقشار میانی جامعه آنهم در یک منطقه، از نظر کومه‌له همان حزب کمونیست است. از همین رو است که او با اصرار فراوان سعی دارد خود را کمونیست و نماینده طبقه کارگر بخواند، هر چند که "عرصه کار و بویزه" یا عرصه واقعی و محدوده عمل کومه‌له، چون آئینه ای تمام قد، نه تنها چهره حقیقی، که تمامیت پیکر او را به مناسبت یک سازمان محلی و ناسیونالیست و خرد بورژواشی منعکس میکند، اما او بسا لجاجت ذاتی، لباس مارکسیستی بر تن میکند و دست از جمله برداری در مسورد طبقه کارگر و حزب مستقل او بر نمیدارد، او هر چند به تشکیلات سیاسی طبقه کارگر،



کومه له، رادیکال دره ه ه

حکیم و کمترش این ابزارا اشاره میکند، از آن بعنوان "ابزار تعیین کننده" غط و پیروزی "جنبش نام میبرد، اما رواقع مسطورا و از این سازمان "ابزار" جز خودا و چیز دیگری نیست. همین است که عقب ماندگی تاریخی و انضیمت کومه له از زیر لاس نیز بیرون میزند.

"تشکیلات کمونیستی، حزب سیاسی مقله کارگر که مستقل از اذانت و خیزهای جنبش در هوشرایطی نیروهای مسادی و جشماعی را به جلوه اذانت کند، ابزار تعیین کننده (ابنهم یک فاکتور تعیین کننده دیگر) حفظ و پیروزی این جنبش نیز هست" و سپس اضافه میکند:

"در کردستان اکنون جنبش تشکیلاتی جو دها رد و چنانکه قبلا نیز اشاره شد برخوردار برای جنبش حک نموده. . . . ست" (صفحه ۹ تا کید و پیرا نتر از اذانت) پس اینست آن سازمان سیاسی طبقه رگرمورد نظر کومه له، کومه له خود تشکیلاتی کمونیستی است، "حزب سیاسی قدحکارگر" است و "مستقل از اذانت و بزهای جنبش" همان ابزار است که روزی جنبش را تعیین میکند، کومه له بان نیروی تعیین کننده است.

کومه له، این پارچه کردستان "حزب و نیت" که هم پیروزی جنبش خلق در ادرچهارچوب کردستان ممکن می آرد، و هم نیازی به انقلاب سراسری و کت و رهبری طبقه کارگر ایران در اذانت میسید، سیواهد، یک تنه و در همان دستان انقلاب بیا کند و بر فراز سر نه مالکین روستایی به ساختمان و سیالیم "بیردازد".

اما این صحبت ها، کومه له زمانی گوش میسرد که تحت تاثیر و تشخیص در چنین مواقعی، به تکرار قالی برخی ناظ و کلمات روشننگری که خوش آیند ن است میپردازد، ولی آنگاه که سهند، تا این بود که رارها میسازد تا آنطور به اوالقاء شده بر روی پای خود بخت و یا قدسی بردارد، کومه له، همان زمان انقلابی زحمتکش کردستان بد در میاید، اذانت بسیار مضحکی

بوجود می آید، چرا که بهر حال کومه له میخواهد مطابق میل و هداایت های سهند کام بردارد، اما پای زمخت و دهقانسی اودرکنش نامناسب، نازک و کم دوام اهداشی سهند، آنچنان مجموعه نامیم آهنگی را ایجاد میکند که کومه له در همان قدم های اول دچار اشکال میشود، این است که چه بسا هنگام راه رفتن پای افزار رادرمی آورد، اما از دورا اذانت خشنش پرهیز میکند.

میبینیم که کومه له پس از کنگره، در اساس همان کومه له پیش از کنگره است، افکار، شیوه ها، سنن و سیاستهای کومه له حقیقتا نه متعلق به طبقه کارگر، که متعلق به طبقات اذانتا رغبیر پرولتر است، کومه له ناسیونالیست هنوز هم یونیدیست است، اویک جریان محلی است که منافع دهقانان و دیگر اقشار میانی را ناما بندگی میکند، اواگرچه علیسه "استد اذانتا ق حاکم" در کردستان به مبارزه برخاسته است و با خشم، برخاشگری میکند، اما بشدت از سوسیالیسم بیمناک است، بینش کومه له، بینش عموم خلقی است و سوسیالیسم او، سوسیالیسم دهقانی، جین سوسیالیسم دهقانی کومه له در برخورد صریح و قاطع به مسئله قدرت سیاسی آشکار میشود و بینش پوپولیستی اواناشی از ما رگسیم خرده بورژواشی است.

کومه له در بند تحصیل کرده های سهندی و گرایشات تروشکیستی و تفکرات موسوم به خط ۳ از یک سو، و تصادفاتی که ناشی از ماهیت این جریان و واقعیات موجود، سطح و مشمولین مبارزه انقلابی در کردستان است، از سوی دیگر سخت گیر افتاده است، گنج سری و درهم اندیشی، از هم گسیختگی و تناقض گوئی در تمام عرصه های نظری و عملی این جریان رسوخ یافته است، در عین حال اومقهور ایدئولوگهای ورشکسته گشته است.

کنگره پنجم کومه له بر همه موارد فوق مبرناشید زد، کنگره نه تنها نمیتوانی کومه له را در حل تناقضات خود ثابت کرد، بلکه نشان داد که انحرافات کومه له نه سطحی، و نه مربوط به امروز است، این انحرافات و تناقضات، در تفکر و پرا تیک کومه له عمیقاً ریشه دارد و خود را در شرایط مختلف به اشکال متفاوتی ظاهر میسازد.

کومه له نیست! شاید میباید گفت کنگره دوم "حزب کمونیست" سهند که وعده اذانتا ران داده شده است، چنین رسالتی داشته باشد! ؟

کومه له موش زانید، تا سهند آبتن چه باشد! ؟

شورای اسلامی، ابزاری در خدمت . . .

شاید اذانتا رانده اند این "شورا" فادرا مور زندگیان مداخله نمایند. مردم هر روستا باید اذانتا ران این "شورا" ها را در روستای خود اذانتا ران و کاملاً طرد کنند و نگذارند رژیم ارتجاعی از طریق این ارگانهای جاسوسی و سرکوب بند مقاصد مردمی خود دست یابد.

رژیم ارتجاعی و در مانده جمهوری اسلامی برای با و راست که با گستراندن این "شورا" ها و ضمیمه نمودن آنها به ارگانهای اقتدار خود، خواهد توانست بی شایستی و موسمیت متزلزل خود را در کردستان تغییر داده و سلطه همه جانبه اش را برقرار سازد. رژیم بر آنست تا از جمله با استفاده از این ابزار، خلق عیارز کرد را از مبارزه انقلابی و نادلانهاش با زدا رد و به اذانتا ران و سیاستهای ارتجاعی دیگر خود خصوما در رابطه با جنگ ارتجاعی ایران و عراق جامه عمل ببوشاند.

اما، شورا های اسلامی، همچسوی دهها ارگان رنگارنگ طفیلی دیگر رژیم نخواهد توانست اراده خلل ناپذیر خلق کرد را درهم بشکند، بی شک تشدید مبارزه انقلابی بوده های زحمتکش خلق کسرد، تمامی محاسبات رژیم رادرم خواهند ریخت.



نگاهی به ...

رئیسان، از آنان خواستند تا ضمن
سازمانی و معرفی مبارزین، مردم را برای
فتن به جبهه ها و کمک به آنان ترغیب
کنند.

اما بسیاری از روستاها و مناطق و
ویژه منطقه بانه طی اعتراضات متعدد
سفر و انزجار خود را از رژیم به نمایش
گذاشتند. عموم توده ها با روحیه ای مبارز
ویا نه و مقاومت با سیاستهای ارتجاعی
رژیم مواجه شدند. برخی از روستائیان،
برای تن ندادن به سیخ جنگی، روستاها
ی خود را ترک نمودند. در برخی مناطق و از
جمله منطقه میاباد، مقاومت توده ها
ختم گریه بود. دست اندرکاران رژیم در
بین شهر با جمع آوری حدود ۲۰۰ نفر از
مبارزان منطقه ارومیه در میاباد، و راه
نداختن نمایش مخره ای کوشیدند
انموده سارت، مردم میاباد را از جبهه ها
سند و در واقع از این طریق ضعف و
بونی خود را در سیخ توده ها آشکار
ساختند.

اعتراضات توده ای علیه
سربازگیری اجباری :

رژیم جمهوری اسلامی تقریباً در
تمام مناطق و بخصوص روستاها، با
اعتراضات توده ای مواجه بوده است و
استوان از پیشبرد سیاستهای ارتجاعی
ود، با ناگزیر از عقب نشینی شده است و
اسرشت سیاستهای سرکوبگرانه خود
نزوده است. وجود اعتراضات جندی و
صمانه در برخی مناطق، مزدوران رژیم
ابه عقب نشینی واداشته است. اما در
رخی مناطق که اعتراضات جندی و
خدا نه صورت نگرفته رژیم توانسته
ست تا حدودی به نیات ارتجاعی خود
ست بابد.

اهالی زحمتکش و مبارز روستاها ی
منطقه بانه علی رغم فشار سرکوب مزدوران
به سیاست سیخ جنگی رژیم تن نداده و
زرفتن به سربازی امتناع کرده اند،
زحمتکشان روستاها ی این منطقه در
سال اعمال زور و تضییقات رژیم دست
به اعتراض زده و با مراجعه دسته جمعی به
سربازسنی فریادهای اعتراض آمیز خود

را علیه سیاستهای ارتجاعی رژیم سر
داشته اند. در روستاهای دیگری، پیش
از ورود مزدوران به روستا، جوانان محل
را ترک کرده و سرکوبگران را در پیشبرد
سیاستهایشان ناکام گذاشته اند و در
قبال ددمنشی های مزدوران و شیرانداز
بر روی جوانان برای اعتراضات خود شدت
بخشیده و حتی پایگاه مزدوران را نیز
مورد حمله انقلابی خود قرار داده و آنان
را بسبب عقب نشینی واداشته اند.
اهالی روستاهای حومه دیواندره، منطقه
ربط و میاباد نیز یورشهای وحشیانه رژیم
را برای سربازگیری ناکام گذاشتند و با
اعتراضات دسته جمعی و سنگ بسار آن
مزدوران آنان را وادار به عقب نشینی
کرده اند.

اما در عین حال مزدوران در مواردی
با اعمال خشونت هر چه بیشتر و با زور
سرنیزه و شیراندازی توانسته اند تعدادی
از جوانان را دستگیر و روانه پادگان
و مراکز نظامی نمایند. در شهر سقز طی
یک خانه گردی حدود ۲۰۰ نفر از جوانان
دستگیر میشوند. اخیراً منطقه بانه
و میاباد نیز مشخصاً مبین این واقعیت
است که علی رغم مقاومت اهالی، در
اثر ادا سرکوب و تشدید فشار و خلاصه
اعمال خشونت های بی حد و حصر از
جانب سرکوبگران، تعدادی دستگیر و به
مراکز نظامی رژیم اعزام گشته اند.

اعتراضات توده ای علیه
تسلیح اجباری :

رژیم به بهانه سیخ جنگی بر
تداوم سیاست ارتجاعی خود منتهی بر
تسلیح اجباری زحمتکشان خلق کرد
اصرار ورزید و سرورانه کوشید تا با مسلح
کردن اجباری، آنها را با فرزندندان
بیشتر مرگ خود در در و قرار دهد. این
سیاست ارتجاعی نیز با مقاومت و
ایستادگی و اعتراضات انقلابی توده ها
روبرو شده و توده های مبارز و آگاه به
خدمت اهداف ارتجاعی رژیم در دنیا مدهت
اند. سرکوبهای دائمی و مستمر جهت
پیشبرد این سیاست ارتجاعی، در هر
روستا به تناسبات آگاهی و پتانسیل
انقلابی، با اعتراضات خود بخودی آنان را
در اشکال گوناگون برانگیخته است. در
برخی روستاها، بجای ایستادگی و اعتراض
رودر روی اهالی، آنها به قصد مقابله با
مزدوران روستا را ترک نموده اند و با

ترتیب با پراکنده شدن در روستاها ی
اطراف امکان مبارزه متحد و یکپارچه از
آنان گرفته شده است. در هر صورت، هر
کجا که رژیم با مبارزه و اعتراض دست
جمعی اهالی روبرو شده است مجبور به
عقب نشینی گشته و گرنه با توسل به سرکوب
و فشار، توانسته است تعدادی را به تسلیح
وادارد. در دوردستان یبوکان، برخی
روستاها ی سردشت و سقز، رژیم توانستند
است تعداد قلیلی را مسلح نماید. اما
در عوض مقاومت و اعتراض دسته جمعی
اهالی روستاهای دیگر موجب عقب
نشینی رژیم گشته است. اهالی برخی
از این روستاها با مراجعه به شهر و تجمع
در مقابل ارگانهای دولتی، با اعتراضات
یکپارچه خود مزدوران را در عملی
ساختن سیاستهای ارتجاعی رژیم ناکام
گذاشته اند، اما اعتراضات روستائیان
در محل روستای خود، شکل عمومی مقاومت
اهالی بوده است. روستاهای سنندج
مشخصاً با در پیش گرفتن چنین شکلی از
مبارزه، رژیم را به عقب رانده اند.
تهدیدات مکرر رژیم و محدودیت های
مختلف همچون منسح عبور و مرور
شانه، جلوگیری از رفتن به "هوار" و
حتی محاصره روستاها و دستگیری و
زندانی نمودن آنان، هیچیک برای
رژیم سودبخش نبوده است.

اعتراضات توده ای علیه
کوچ اجباری :

رژیم جمهوری اسلامی طی سه ماهه
گذشته در صدد اجرای سیاست ارتجاعی
کوچ اجباری زحمتکشان نیز برآمده
است. چندین روستای سردشت و بانه نیز
شدیدترین فشارها برای تخلیه روستاها و
کوچ اجباری قرار گرفت. اما اعتراضات
مردم زحمتکش این مناطق، تاکنون
رژیم را از اجرای این سیاست ارتجاعی
بازداشته است. طی این مدت به چندین
روستای اطراف سردشت اعلام شد که در
اسرع وقت روستاهای خود را تخلیه کنند
و گرنه روستاها را با توپ و خمپاره
خواهند کوبید. اما زحمتکشان روستائی
چهارم مراجعه دسته جمعی به شهر سردشت و
تجمع در برابر فرمانداری و مقر سپاه
پاداران، و چه در روستاهای خود، دست
به اعتراض زده و اعلام داشته اند که هرگز
روستاها ی خود را تخلیه نخواهند کرد.

نگاهی به ...

خارهای بی حد و حصر مزدوران، براهالی و ستاهای اطراف با نه نیز اعتراضات هالی این منطقه را بزرگ کرده است. رتداوم این سیاست ارتجاعی اهالی ریب به سیزده روستا به شهر سردشت رفته با اجتماع در برابر فرمانداری علیه وج اجاری و توپ باران منطقه سالان سیما دست به اعتراض زدند.

همچنین ادما اعتراضات روستا - بان برای مراجعه به روستاهای خود که ال گذشته توسط نیروهای سرکوبگر به تن کشیده شده بود و مجبور به کوچ اجاری ده بودند، مزدوران رژیم را بطور نسی اداره عتب نشینی کرد.

اعتراضات توده‌ای علیه رگوب و وحشیانه :

بدلیل تداوم مبارزه انقلابی محتکمان کردستان، رژیم درمانده ترار جی به سرکوب و وحشیانه و غیرانسانی شده‌های زحمتکش توسل جسته و با شیوه‌ها دینانه و جنایتکارانه‌ای با ایجساد شای رعب و وحشت و سرکوب، مذبحخانه کوشده توده‌ها را از مبارزه انقلابی دعتب نشانند، تا چند صیاحی به عمبر نکتین خود بسیار فزاید، اما این سیاستی تا بختکارانه نیز نه تنها باعث تضعیف و حیو زحمتکمان نمیگردد بلکه آنها را در بارزه شان علیه رژیم مصمم تر و زاده شان را مستحکم ترمی نماید.

نوهین وسندی به حقوق زنان رط نیروهای سرکوبگر در کردستان نیز مانند سراسر ایران تنقروا نترجا مردم حمتکش را علیه رژیم بیشتر از پیش رانگیخته و حرکات اعتراضی توده‌ای را عت گردیده است :

در روستای "حسین آباد" سندرجه، در نبراض به نوهین و مزاحمت به یک زن ران توسط پاسداری، اهالی این روستا ست به یک راهپیمایی اعتراضی زده و نرف پایگاه حرکت کرده و خواستار نازات این پاسدار و خروج کلبه دوران از روستای خود شدند.

در "چهک لوره" محل زیست کارگران رزه پزخانه واقع در محور سوکسان با تدوآب، کارگران بعنوان اعتراض

به خاسبا که سه دختر نوجوانی تجاوز کرد ه بودند به آنها حمله کرده و یکی از آنها را خلع سلاح میکنند که مزدوران جاش و پاسدار آنها را به رگبار بسته و دو کاپر را به شهادت رساندند.

اهالی دوروستا در منطقه بیوکان، در اعتراف به ربودن یک دختر توسط یک جاش و پاسدار با تعرض دسته جمعی به سوی آنها دختر زحمتکش را از دست مزدوران نجات میدهند، که مزدوران نیز پدر این دختر و یک نفر دیگر را به رگبار بسته و آنها را به شهادت میرسانند، در اعتراض به این عمل و حشیانه، اهالی به شهر رفته و در برابر سپاه پاسداران تجمع میکنند و خواستار مجازات آنان میشوند.

از جمله شیوه‌های سرکوب رذیلانه رژیم، کانتین مین در مسیر تردد توده‌ها است، طی سه ماهه گذشته هفت تن از مردم در اثرانجا رمین کشته و چهار نفر دیگر سر

مخروج گشته‌اند، این امر هواره اعتراض و تنقیر توده‌ها را بدینال داشته است.

علاوه بر این ها، محاصره روستاها، تختیش و خانه گردی و تخریب خانه‌ها، غارت اموال مردم، ضرب و شتم و دستگیری اهالی زحمتکش روستاها برای به زان و در آوردن آنها و به همکاری اجباری واداشتن با مزدوران و قطع ارتباط مردم با پیشمرگان خلق کرده، از جمله سیاستهای روزمره رژیم در کردستان بوده است، اما اعمال این سرکوبگرها هواره مقاومت و اعتراض اهالی را در پی داشته است، روستاهای مناطقی هه و شار، سندرجه، مهاباد، نقده، سردشت و ربط با اعتراضات دسته جمعی و باراه پیمایی به طرف پایگاه مزدوران، و گاه حمله به سوی مزدوران علی رغم شیراندازی از جانب آنان، به مقابله با رژیم سرکوبگر برخاسته‌اند. منطقه ربط نیز شاهد اتحاد و یکپارچگی روستا - شیان و از آن مستر همبستگی اهالی چند روستا با یکدیگر بود، سرکوبگران کسه روستای "چوالان" را به محاصره در آورده و با تختیش و بازرسی خانه‌ها، ضمن ضرب و شتم اهالی چهار نفر را دستگیر و همراه خود به پایگاه "شخهل" میبرند، این حرکت مزدوران شتم و تنقیر اهالی را بسر انگیزته و آنان بعنوان اعتراضی به طرف پایگاه راه پیمایی میکنند، خیرا عمل و حشیانه مزدوران، و اعتراضات مردم روستای "چوالان" در روستاهای "شخهل" و "تا و سه مله" پختن شده و اهالی ایستادن

روستاها نیز به نمانه، همسنگی با مردم روستای "چوالان" و ایران تنقروا نترجا رژیم، به سوی پایگاه روانه شدند. خواستار آزادی دستگیر شده از مندره این حرکت دسته جمعی و با شکره، مردور را وحشت زده کرده، و فرمانده مردور با اعلام میکنند که "اشتباه کرده ایم" و اگر این دستگیر شده در اثر مبارزه متحدان شوند و ه زحمتکش این روستا آزاد میگردند.

همچنین در سه ماه گذشته تسبیب و خمپاره باران روستاها نبرادا می‌باشد که موجب شهادت پنج نفر و مجروح شدن هفت نفر دیگر گردید، اعتراضات توده‌ای علیه آن نیز ادامه داشته است، راه پیمایی های اعتراضی توام با شعار دادن علیه رژیم، علیه پاسداران و جاشها، سازتا با اعمال و حشیانه مزدوران بوده است، حدود هشت تن از مردم زحمتکش با تیراندازیهای جنون آمیز از اعدام‌های وحشیانه در ملاء عام مورد انتقام کشی جنایتکاران قرار گرفتند، دامسداران و چادر نشنان نیز برکنار از سرکوبگرها رژیم نبوده‌اند، اما در تمامی موارد، توده‌ها فریاد اعتراض آمیز خود را بلند کرده‌اند.

مبارزات مردم زحمتکش روستایی، علیه حضور مزدوران در روستاها، موجب برچیده شدن برخی از پایگاه‌های مزدوران از روستا گردید. اعتراضات دسته جمعی مردم روستای "عه زیزئاوا" در منطقه دیواندره و بخصوص روستای "چا وک" در منطقه مریوان که حتی به درگیری و خلع سلاح یکی از مزدوران آنجا سید سرکوبگر را وادار به خروج از این روستاها نمود. بخش خیر این اعتراضات دسته جمعی در منطقه باعث آن شد تا اهالی روستاهای دیگری نیز خواستار خروج مزدوران از روستای خود گردند.

مشخصات عمومی اشکسال اعتراضی توده‌ها در سه ماه گذشته

سراجم رژیم جمهوری اسلامی با تعرضی گسترده و سازمان یافته و با تمرکز نیرو توانست با زور و اسلحه، نشا و سرکوب و حشیانه تعداد زیادی از جوانان را دستگیر و روانه حبسه‌ها و مراکز نظامی خود نماید و دسترنج ناچیز توده‌ها را تحت عنوان کمک به جیبه‌های جنگ به یغما برد. علت این مسئله را با بیستی در عدم مبارزه در سه ماهه

اخبار جنبش توده‌های



سقز

تلاشهای مزدوران در شهر سقز نیز همچون دیگر شهرهای کردستان حاکی از آن است که رژیم به منظور سرکوبگری اجباری فشارهای بازم بیشتری را بر توده‌ها تحمیل نموده است. کنترل جاده‌ها، ترق کردن راه‌های ورودی و خروجی شهر و کنترل مسافریین و غیره، همه در جهت دستگیری جوانان بوده است. جاش‌ها و گشت‌های نا رالله مدار و ما در کچه‌ها، خیابان‌ها در حال پیگرد جوانان هستند و خانه‌های آنان از معرض تفتیش و بازرسی و غیره در امان نیست. در همین رابطه مزدوران توانسته‌اند تعدادی از جوانان را دستگیر و روانه پادگان‌ها نمایند.

سرکوبگری اجباری

و اعتراضات توده‌های علیه آن

هفته اول شیرماه، روستاهای "گوره‌پره"، "همزه قره‌نیان" و "کیله‌شین" واقع در بخش گشورک، به منظور سرکوبگری اجباری مورد محاصره نیروهای سرکوبگر رژیم قرار گرفت. جوانان روستایی که پیش از محاصره توانسته بودند روستاها را ترک نمایند، هجوم وحشیانه مزدوران را برای دستگیری خودیلا اثر ساختند. اواخر خرداد ماه نیز روستای "مه‌رخوز" ابتدا به محاصره مزدوران درآمد و سپس جهت سرکوبگری، وحشیانه به درون آن هجوم برده شد. عده‌ای از جوانان توانستند از دست مزدوران فرار کنند و برخی از آنها فا فلکیر شده و دستگیر شدند. همچنین روستای "کیله‌شین" که به همین منظور مورد پیورش مزدوران واقع گشته بود، با اعتراضات شدید اهالی مواجه شد و مردم توانستند سرکوبگران را به عقب‌نشینی وادارند.

طی یک هجوم وحشیانه به روستای "کاشی سبد" نیز دو جوان در حین گار دستگیر و به پایگاه سرکوبگران منتقل می‌شوند. اهالی روستا بعنوان اعتراض به پایگاه "خورخوره" مراجعه کرده و خواستار آزادی آنان می‌شوند.

نیوهای سرکوب، به سرکوبگری می‌پردازد و در روستای "شنگان" چهار نفر را دستگیر می‌کنند. فرد دیگری از این روستا به جرم آنکه فرزندش فرار کرده است دستگیر می‌شود.

اخیرا برخی از مقامات دولتی، همچون مسئول سپاه و اطلاعات، بخشدار و غیره به روستاهای این منطقه رفته و از مردم خواسته‌اند تا مشمولین را معرفی نمایند. در بخش‌های دیگر سردشت نیز اعمال فشار برای سرکوبگری اجباری ادامه داشته است. روستای "گومان" و چند روستای دیگر مورد هجوم مزدوران قرار گرفته و تعدادی دستگیر و روانه شهر سردشت شده‌اند. در تاریخ هفدهم خرداد ماه، روستای "سین‌په" بازه دیگر به منظور سرکوبگری اجباری به محاصره مزدوران درآمد. اما مشمولین پیش از ورود سرکوبگران به روستا، توانسته بودند محل را ترک نمایند.

سردشت

با ردیگر شهر سردشت و روستاهای اطراف آن از جانب مزدوران رژیم به منظور سرکوبگری اجباری، و سینه مورد هجوم قرار گرفت. گروه ضربت سپاه پاسداران سرکوبگران ارتشی، با دایر کردن تهاجمات متعدد بازرسی در طول جاده‌ها، اقدام به کنترل و دستگیری جوانان نمودند. مزدوران همچنین بدینسان تعدادی از اهالی خودیر مردم شهر، دست به آنگردی زده و تعدادی از جوانان را نیز دستگیر نموده‌اند.

در تاریخ بیست و چهارم خرداد ماه، روستاهای "دولکان"، "مهن شاکوی" بردان و "شنگان" از بخش تالان سردشت، سابقه محاصره مزدوران رژیم درمی‌آید. سرکوبگران، پس از محاصره با اخلاص روستاها ریخته و با اعمال خشن تریس

اخیر جنبش نژادهای

بوکان

چندی پیش روستای "قره‌لی" از جانب مزدوران رژیم به قصد سر بازگشایی اجباری مورد حمله واقع می‌شود. سرکوب گران تحت زور و اجبار و با کمک نیروی اسلامی، اهالی را در مسجد روستا گرد آورده و اقدام به نام‌نویسی برای اعزام به صدها می‌کنند. اما سن اعمال مزدوران برودا اعتراض شدید مردم واقع می‌گردد. مزدوران ضمن تهدید نژادهای، و برای آن که جلوی اعتراضات آنان گرفته شود، یک نفر از جوانان را دستگیر می‌کنند ولی خود این عمل، خشم و تنفر هر چه بیشتر آنان را برانگیخته و موجب گسترش دامنه اعتراضات می‌شود. زنان روستائی که در بیرون از مسجد تجمع کرده بودند نیز دست به اعتراض می‌زنند و با حمله به خود و مزدوران جندهای آن را می‌شکنند. اعتراضات اهالی، تا آزادی فرده دستگیر شده ادامه می‌یابد. بدنبال این حرکت اهالی، مزدوران مستقر در پلگاه "قره‌لی" هر گونه رفت و آمد در شب را ممنوع اعلام کرده و عملاً با برقراری حکومت نظامی و اینکه هر کس حتی در هنگام روز بخواهد از روستا بیرون برود ساقی مزدوران را رنجبران بگذارد. رنشانها و سیاست‌های نفاق آمیز خود افزوده‌اند.

همچنین به اهالی روستاهای اسخان و "به‌آن" از جانب رژیم اخبار دهانت که جهت اعزام به سر بازی خود را نهادهای روستاهای سرکوبگر رژیم مرعی نمایند.

رابط

در تاریخ شوزدهم خرداد ماه، تعدادی از جانش‌های مستقر در روستای "نه‌یزه" به همراه گروهی زیبا سااران مستقر در روستای "میرناوه" روستای "گه‌نسان" را بمنظور

سر بازگشایی اجباری مورد هجوم و حمله خود قرار داده. مزدوران پس از محاصره روستا، به بازرسی و تفتیش خانه‌ها پرداخته و چند نفر را دستگیر و به پادگانها اعزام داشتند. اهالی روستا نسبت به این اقدام ارتجاعی دست به اعتراض زده و متحدانه به مزدوران سرکوبگر حمله ور شدند. اما مزدوران با تیراندازی بروی اهالی یک نفر را مجروح ساختند. روستائیان علی‌رغم تیراندازیهای سرکوبگران از اعتراضات خود تا بیرون راندن مزدوران دست برنداشتند.

سنندج

در تاریخ هفتم تیر سرکوبگران جمهوری اسلامی دستورهای اسلامی بخش "کله‌تزران" را اجرا نمودند که طی مسدودت بیست روز یعنی تا تاریخ بیست و هفتم تیر ماه، مشمولین متولد سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۳۴۷ را برای سر بازی به مراکز نظامی معرفی نمایند. شوراهای اسلامی، این ارگان‌های جاسوسی وابسته به رژیم نیز فعالیت‌های خود را در جهت برآوردن هدف رژیم آغاز کردند.

مزدوران رژیم همچنین بر تلاشهای خود برای سر بازگشایی از روستاهای "به‌ریله‌ساران" سنندج نیز افزوده‌اند. سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی در نیمه دوم خرداد ماه طی نامه تهدید آمیزی به اهالی روستاهای این منطقه با ردیگرا خطا ر کرده بودند که مشمولین را معرفی نمایند در غیر این صورت آنان را با زداشت و روانه جبهه‌ها خواهند کرد. اما اهالی این منطقه به تهدیدات مکرر رژیم وقتی ننهاد و از معرفی مشمولین خودداری می‌کنند. سرکوبگران رژیم برای دستگیری جوانان شب با زدهم تیر ماه روستاهای "تازه‌آباد" و "سوفی بله" را محاصره می‌کنند و مانع خروج اهالی از روستا می‌گردند. سپس به داخل روستا یورش برده و به خانه‌گردی می‌پردازند، اما موفق به دستگیری هیچکس نمی‌شوند.

بانه

تلاشهای تهدید آمیز مزدوران رژیم جهت سر بازگشایی در روستاهای بانه نیز تا کام ماند.

در تاریخ دهم خرداد ماه تعدادی از مزدوران رژیم تحت عنوان گروه "مرست"، اهالی روستاهای "دول‌سنه" از "بوشهر" - "بالا" را در روستای "هواره خور" جمع کرده و آنان را تهدید می‌کنند چنانچه مشمولین نزاری را تحویل ندهند و چنانچه مشمولین تا به طرف پسیج روز (پانزدهم تیر ماه) خود را معرفی ننمایند، به مجازات خواهند رسید و سهمیه گوین هر دو روستا قطع خواهد شد. اما تهدیدات مزدوران رژیم بندها نیز میماند. نه اهالی مشمولین را تحویل می‌دهند، و نه مشمولین خود را معرفی می‌کنند.

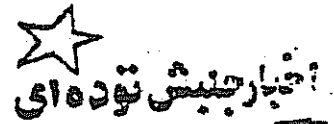
مهاباد

اخیرا مزدوران سرکوبگر رژیم بد منظور دست‌یابی به سیاست ارتجاعی خود، اهالی روستاهای بخش "یل‌شمر" را بیش از پیش تحت فشار قرار داده‌اند. مزدوران با تقویت پایگاههای خود در این منطقه بمنظور سر بازگشایی، مذاوما بد روستاهای این بخش یورش می‌برند. اما علی‌رغم هماهنگی فشارها و سیاستهای سرکوبگرانه، زحمتکشان روستاهای این بخش، در مقابل اهداف ارتجاعی رژیم مقاومت کرده و به شیوه‌های مختلف از رفتن به سر بازی امتناع کرده‌اند.

تاریخ

سنندج

اخیرا سرکوبگران رژیم جنسوری اسلامی با اعمال سرکوب و فشار بیش از حد در چند روستا از توابع بخش "چم‌شار" توانسته‌اند تعدادی از روستائیان را به نهبانی اجباری وادارند.



در تاریخ هفتم تیرماه، مزدوران رژیم، روستای "خه لپه" در خان "زابه" محاصره درآورده و به هیچکس اجازه خروج ز روستا را نمیدهند و پس از جمع کردن اهالی به آنان میگویند "سایدهوش ده" غرا ز شما نگهبانی بدهید، زحمتکشان روستائی در مقابل این خواست مزدوران ظوریکها رچه دست به اعتراض میزنند و غرض به نگهبانی اجباری نمیشوند. مزدوران برای ترساندن اهالی، آنان را وار بر و اسل نقلیه خود کرده و به آنان میگویند با دیده جبهه‌های جنگ بروند و یا آنکه در روستای خود نگهبانی بدهند و بدین ترتیب، روستائیان را وادار به نگهبانی اجباری میکنند.

همچنین چندی پیش روستای "گورکوره" مورد هجوم مزدوران قرار میگرفت و طی آن بیست و هفت نفر از اهالی دستگیر و مورد شکنجه و سرکوب مزدوران قرار میگرفتند. آنان یک هفته در بازداشت مزدوران با مقاومت شجاعانه، از پذیرش سیاست ارتجاعی نگهبانی اجباری سر باز میزنند. دیگر اهالی نیز در مخالفت با این سیاست ارتجاعی و در حمایت از بازداشت شدگان به اعتراضات خود ادامه میدهند. اما سرانجام، در اثر همکاری تعدادی از مرتجعین، سیاست نگهبانی اجباری را بر اهالی تحمیل میکنند.

در روستای "سور شاه" مزدوران قدام به برقراری یک پایگاه ننوده برای نگهبانی اجباری اهالی، از آن استفاده مینمایند. مزدوران همچنین نفت و آمد توده‌ها را ممنوع اعلام کرده و زنان روستائی اعلام میدارند که باید حجاب اسلامی را رعایت کنند. روستائیان در مقابل این فشارها مقاومت کرده و متحدان دست به اعتراض میزنند و حتی به مقررات منع عبور و مرور توجه ننکرده و نگهبانی اجباری را نیز نمی پذیرند. مزدوران، برای مقابله با توده‌ها، بر تعداد نیروهای سرکوب خود می افزایند و ورسی و یکم خردا دما، امام جمعه سنج نیز برای فریب اهالی، به این روستا رفته و به ایراد سخنانی میپردازد.

گرفته و یک اعتراض دسته جمعی علیه سیاست تسلیم و سرپا زگیری اجباری شکل میگردد. مزدوران برای مرعوب ساختن اهالی، هشت نفر مزدور را با زداشت میگیرند، اما اعتراضات فوق، برای آزادی دستگیر شدگان ادامه می یابد.

اما توده‌ها فریب این مرتجع را نیز نمی خورند و به خواست اوی یعنی نگهبانی اجباری اعتراض میکنند. سرانجام مزدوران تعداد زیادی از مردان روستا را دستگیر نموده و پس از شکنجه فراوان، آنان را به نگهبانی اجباری وادارند.

مهاباد — مریوان

اخیرا مزدوران سرکوبگر رژیم بسیاری از روستاهای بخش منگسوران مهاباد را بمنظور تسلیم اجباری روستائیان مورد هجوم خود قرار داده اند. چند تن از اهالی روستای "گهوش" تحت زور و فشار اجبارا تسلیم شده اند. همچنین تعدادی از اهالی روستای "دیوگر" و "سلم سوهل" را نیز با زور سرنیزه وادار به تسلیم نموده اند.

بدننا ل اعمال فشا روتهدیدات پکور روستائیان "گهنجیران" در بخش "خاومیرنا" جهت تسلیم اجباری و تعیین ضرب العجل های مکرر، سرانجام صبح روز هفدهم تیرماه، سرکوبگران رژیم روستای فوق را محاصره نموده و سپس با اعزام حکومت نظامی آغاز به خانه گردی کرده و هشت نفر را دستگیر و تحت زور و اجبار، تسلیم میکنند. اما افراد تسلیم شده، بقامله کوتاهی سلاح های تحمیلی رژیم را بر زمین میگذارند که این حرکت آنان مورد حمایت و دفاع بقیه اهالی قرار



سرکوب و حشیانه زحمتکشان

نشانه ترس و ترسونی هم
در مقابله

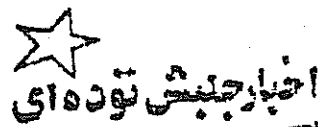
جنبش انقلابی خلق کرد است

همچنین در تاریخ بیست و نهم خردادماه، چادرنشینان "ملک داوی" توسط سرکوبگران رژیم به توب و خمپاره بسته میشود که بر اثر آن یک زن جان خود را از دست میدهد، و چندراس گا و گوسفند نیز تلف میگردد.

روزی خردا د شیردا مداران بسی دفاع در "چینگه" واقع در پشت روستای گاشی موه جان "هدف گلوله" مزدوران قرار گرفتند که در اثر آن یک زن زحمتکش جان خود را از دست داد. در همان روز دام داران مستقر در منطقه "کوچک ریش" گاشی که فرماندار مزدور پیرا نشهر چادرنشین آن را مجاز دانسته بود، ابتدا از بیرونش توب و خمپاره سرکوبگران قرار میگرفتند و سپس مزدوران با نشان حمله ور شده و

پیرانشهر

روز بیست و دوم خردادماه، پاسداران مستقر در پایگاه "به رودناز" به چادر نشینان "دول حاج براییم" و حشیانه حمله برده و از آنان میخواهند تا برای شان آذوقه تهیه نمایند. یک تن از این مزدوران بوسیله نارنجک آنان را تهدید میکنند چنانچه از آوردن خواست آنها امتناع شود، همگی را خواهند کشت. مزدوران پس از اطلاع، از حضور پیشمرگان در منطقه، از محل دور میشوند و یک راس گوسفند را نیز با خود میبرند.



بدون آنکه با آنان مجال بدهند و مسائل بود را از جا درها به بیرون انتقال دهند، رکمال و حشگری تمامی چادرهای آنان را به آتش میکشند و دینفرآنان را نیز دستگیر و با خود میبرند.

همچنین مزدوران مستقر در بیگاه کوره‌گان "به چادرهای اهالی گردنه‌ن" سیراندازی میکنند که در اثر آن یک زن کشته میشود.

مزدوران رژیم که در کشتار و وحشیگری است همه جنايتکاران را از پشت بسته اند، ز نظر استیمال دست به رجنايتی میزنند نان گوش به فرمان سرمایه داران و نارنگران آماده اند تا خشن ترس بیوهای شرور و سرکوب را نسبت به خلق حمتکنی کردا عمل کنند.

در همین رابطه شب ششم تیر ماه، سرکوبگران مستقر در بیگاه های "میشه‌دی" "گه‌ده‌دار"، روستای "میشه‌دی سفلی" را توب و خمپاره باران کردند و خسارات بالی فراوانی به اهالی آن وارد ساختند، بردای آن شب، یعنی روز ششم تیر ماه، روستای فوق مورد حمله وحشیانه مزدوران قرار گرفت، سرکوبگران کلیه اهالی این روستا را دستگیر نموده و روانه بیگاه خود نمودند. مزدوران جنايت پيشه، در آغاز، نان روستایی را در محلی زندانی کرده، سپس در نهایت وحشیگری بر روی سایر مردم آتش گشودند، و دوازده نفر از اهالی را مجروح ساختند. یک زن روستایی نیز در همین رابطه جان خود را از دست داد.

در تاریخ دوم تیر ماه نیز یکی از اهالی زحمتکش روستای "گه‌ده‌دار" واقع در منطقه "ستگوران" هدف گلوله مزدوران سرار گرفت و جان خود را از دست داد. حمتکش دیگری اهل روستای "میشه‌دی" نیز در اثر تیراندازی مردوران به شدت مجروح شد.

همچنین اول تیر ماه روستای "کانی خلیل" توسط مزدوران رژیم خمپاره باران کردید و سراسر آن یک زن مجروح گردید. تیر ماه نیز مزدوران چهار سراسر اهالی روستای "گه‌ده‌دار" واقع در منطقه "نه‌لین" را دستگیر و مورد ضرب و

شتم قرار میدهند. همان روزها سوال دو نفر دیگر از اهالی این روستا مورد چهارول وغارت مزدوران واقع میشود.

روز بیست و یکم تیر ماه، چند تن از خردسالان روستای "شختان" یک عدد گلرله توب پیدا میکنند و پس از آنکه آنرا در آتش قرار میدهند، گلوله منفجر شده و موجب مرگ یک نفر از آنان و تلف شدن دوازده رأس دام میشود.

میریوان

اهالی روستای "وله‌ژیر" متحدانه مراسم نمایی روز قدس را بعضی جوانان اعتراضی تحریم کردند، علی‌رغم دعوت‌های مکرر مزدوران از مردم برای شرکت در این مراسم بجز چند تن از وابستگان رژیم کس دیگری در این مراسم شرکت نداشتند. اهالی زحمتکش روستای "وله‌ژیر" با تحریم یکبارچه مراسم، کینه و نفرت خود را نسبت به مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به نمایش گذاشتند. سرکوبگران با خراطانتقام کشتی به روستا حمله کرده و چند نفر را دستگیر نموده و با خود میبرند. در مقابل اعتراضات اهالی ناچار میشوند آنها را آزاد نسایند.

روز بیست و هشتم خرداد ماه، سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی در روستای "هزارخانی" واقع در بخش "شامیان" میریوان جنايت دیگری آفریدند. بدنبال نزاعی که میان یکی از جاشهای مزدور و دو تن از اهالی این روستا ایجاد شده بود، مردم زحمتکش روستایی تجمع کرده تا بشوایند به نزاع، خاتمه دهند، اما در همین زمان از طرف مزدوران مستقر در بیگاه، بر روی جمعیت آتش گشوده میشود که بر اثر آن سه زن جوان خود را از دست داده و حدود ده نفر دیگر نیز مجروح میشوند. چند روز بعد (۱۵ تیر ماه) یک تن از مجروحین در بیمارستان میریوان نیز جان خود را از دست داده است.

همچنین در تاریخ ششم تیر ماه، گروه فریبت "نه‌نجیران" متشکل از جاشهای محلی و تعدادی پاسدار ویسجی که چندین بار بر سر راه مردم کمین گذاشته و بسته غارت و چپاول اهالی پرداخته اند، در گردنه پشت روستای "نه‌جی" یک نفر را از پشت به گلوله می‌بندند و به شدت او را

زخمی میکنند. اهالی روستای "دره‌وهران" که به محل تیراندازی نزدیک بوده اند، با شنیدن صدای تیراندازی خود را به محل رسانده و چند تنی که زخمی شده اند را به روستای "دره‌وهران" منتقل کرده و در آنجا با شمار دادن بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و اعمال ددمنشانه مزدوران میگردانند.

بفائده کوتاهی اهالی روستای "نه‌جی" نیز که از این واقعه مطلع شده اند، به روستای "دره‌وهران" رفته، سپس اهالی دور روستا، متحدانه تصمیم گرفتند این اعمال جنايتکارانه دست به عسکری میزنند. صراحتاً مزدوران که با اعترافاً یکبارچه و ختمگینان اهالی این دور روستا مواجه میگردد، از ترس جان خود را تضرع و

التماس مطرح میکنند که این حرکت بدون اطلاع آنها صورت گرفته است!، فسرده مجروح توسط توده‌ها، به میریوان و سپس بدلیل شدت جراحات به کرمانشاه منتقل میشود.

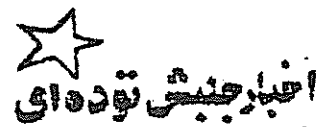
یک نفر از اهالی روستای "ما بوله" هنگامی که مشغول چرای احشام در جوار روستای "بلچه‌سور" بود، با مینی کسه توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی کار گذاشته شده بود و بر خورد میکند که بر اثر انفجار آن، یک دستش قطع میشود.

همچنین روز نهم تیر ماه، بهر بیجه ای اهل روستای "بته‌نه" در بخش کوماسی که مشغول چرای احشام بود، توسط مزدوران که از سیرجاده میگذشتند، هدف تیراندازی قرار گرفت و جان خود را از دست داد.

شب بیست و سوم خرداد ماه، مزدوران مستقر در بیگاه "خاله‌دره" در مسسر رفت و آمد مردم این روستا کمین بگذاشتند. ساعت حدود هشت و نیم شب یکی از اهالی

این روستا حین بازگشت از خانه بسته همسایه اش مورد تیراندازی جنايتکارانه قرار گرفته و جان خود را از دست میدهد.

همچنین روز بیست و ششم خرداد یک نفر از اهالی روستای "بلچه‌سور" هنگام کار در مزرعه توسط مزدوران به گلوله بسته شده و بیهوش مجروح میگردد. شام برده پس از خون ریزی زیاد خود را به نزدیکی روستا میرساند. مردم روستا ضمن آنکه او را به بیمارستان میرسانند، علیه این عمل وحشیانه دست به اعتراضی دسته جمعی میزنند.



بوکان

مزدوران جنایتکار رژیم، در سرکوتای توده‌های زحمتکش از هیچ گونه تلاشی فروگذار نمیکنند و بر آنند تا از هر طریق ممکن، سیاستها و اهداف ارتجاعی رژیم که در خدمت سرما پهلوان و غارتگران است، پیش برند.

روز بیست و دوم خرداد ماه، یک

دسته از مزدوران به روستای "شاجی کهند"

هجوم میبرند و پس از فرا خواندن اهالی

و جمع کردنشان در مسجد روستا، بتان

میگویند که با بایستی زمینهای را که

قبلا ما دره نموده‌اند، پس بدهند، و یا

آنکه بتان این زمینها اجازه بپردازند!

اما اهالی که مدت‌ها است بی‌رویی این

زمین‌ها را میکنند در مقابل این

خواست ارتجاعی شدید، با اعتراض بی‌

میخیزند و مزدوران را به عقب نشینی

وایدارند. سرکوبگران که از اجرای این

نقشه خود بازمیمانند، مسئله سر بساز

تسلیم اجباری را پیش می‌کنند و بتان

تکلیف می‌کنند که با بایستی به سر بساز

به جبهه بروند و یا آنکه در روستای خود

به نفع رژیم مسلح شوند، اما اهالی

زحمتکش روستا بتان خواست ارتجاعی

نیزوقمی ننهادند و اعلام میدارند که

هیچیک از این موارد را قبول نخواهند

کرد. سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی

که از پیش برد نقشه‌های خود عاجز میمانند

بر آن میشوند تا با دستگیری و اعمال

خشونت نسبت به اهالی به ضرب و شتم و

ارعاب‌آنان بپردازند، اما زانسان

روستائی که در بیرون مسجد بودند، وارد

مسجد شده و ضمن اعتراض و شعار دادن، مانع

دستگیری افراد میشوند. مزدوران به

سوی مردم شیر اندازی میکنند و سعی در

مرعوب ساختن اهالی دارند، آنان یک

زن و چهار نیز زخمی میکنند، اما مردم

روستا از پای ننشسته و تا بیرون رانند

مزدوران متحده به اعتراض خود ادامه

میدهند.

همچنین چندی پیش روستای "شاجی -

گولان" مورد هجوم وحشیانه نیروهای سر -

کوبگر رژیم قرار میگیرد. سرکوبگران ضمن

تیراندازی و اهانته نسبت به اهالی، به

داخل روستا میریزند و به ضرب و شتم مردم

که لهورشا و "دریورتوا" دو یکبار چکی
خود، تلاش مزدوران را برای باز پی -
گرفتن زمین های مصادره ای عقیم می
گذارند.

سقز

اوائل تیر ماه، سرکوبگران رژیم

جمهوری اسلامی با تحت فشار قرار دادن

اهالی روستای "باغ جوسه" از آنسان

میخواهند که روستا را ترک کرده و کسوج

نمایند، زحمتکشان روستائی، در مقابل

این خواست مقاومت کرده و دست به

اعتراض میزنند. اما مزدوران جنایتکار

با تشدید فشار و اعمال خشونت و سرکوب،

مردم را وادار به کوچ اجباری میکنند.

در همان حال عده ای از اهالی که به کوههای

اطراف پناه برده‌اند، با وحشیگری هر

چه‌تا متر مورد خمپاره باران مزدوران

واقع میگرددند.

چندی پیش با رادیو گریه‌ها و شرافجار

یک مین در "خورخوره" سقز که توسط

مزدوران سرکوبگر کار گذاشته شده بود،

توجوئی که مشغول چرای گوسفند بوده

شدت مجروح گردید. روز بعد این واقعه،

اهالی روستا نسبت به مین گذاری مزدوران

در اطراف روستا و محل رفت و آمدشان دست

به اعتراض میزنند. مزدوران از ترس

اعتراضات خشمگینانه توده‌ها، مسئولیت

آنرا بر عهده نمیگیرند.

شب هفتم تیر ماه عده ای از مزدوران

مستقر در روستای "شاجی" به روستای

"آدینان" واقع در دوازده کیلومتری

شهر سقز وحشیانه یورش میبرند و دست

با مداد، روستای فوق را گلوله باران

میکنند. با روشن شدن هوا، سرکوبگران

به داخل روستا ریخته و ضمن ایجاد رعب و

هراس اهالی روستا را در مسجد جمع کرده و

از آنان میخواهند که با رژیم همکاری

نموده و آنان را در پیشبرد سیاستهای

خود یاری دهند. اما مردم این روستا

نسبت به این اعمال جنایتکارانه

اعتراض کرده و تن به خواست مزدوران

نمیدهند. در همین رابطه یکی از

روستائیان دستگیر و به اطلاعات سپاه

پاسداران منتقل میشود که پس از چند

ساعت آزاد میگردد.

سندج

بیست و ششم خرداد ماه، سرکوبگران

رژیم ضمن دادن اخطار تخلیه به اهالی

روستای "دهره گاو" در بخش "سارال"

سندج، تعدادی از اهالی را نیز دستگیر

موده و ضمن تهدید و اعمال خشونت نسبت

به آنها، از مردم میخواهند که روستا

تخلیه و به محلی که رژیم تعیین میکند

کوچ کنند. چندی پیش نیز اهالی روستای

نهره گاه که در نزدیکی این روستا

واقع است، اجباراً کوچ داده شده‌اند.

ما روستائیان "دهره گاو" در مقابل

این اقدام ارتجاعی مقاومت کرده و تن

به خواست مزدوران نداده‌اند.

مدتی قبل زحمتکشان روستای

کلهورشا و "واقع در بخش سارال، در

رایرتلاشهای مذسوحانه رژیم برای باز

گرفتن زمین‌هایی که قبلاً مصادره

رده بودند، مقاومت کرده و با اعتراض

سته جمعی، با رادیو گریه‌های مزدوران

انفجاری برخورد کردند.

زحمتکشان روستای "کلهورشا و"

حدود دویگسال قبل زمین‌های اربابسی

امصادره کرده و بی‌طور دست جمعی بیرونی

ن کشت میکنند، بارها از جانب ارباب

بابق و تحت حمایت ارگان‌های دولتی

حت فشار قرار گرفته‌اند تا این زمین‌ها

زانسان پس گرفته شود، اما مقاومت و

اعتراض اهالی هر بار تلاشهای مزدوران

اناکام گذاشته است. این بار مزدوران

اندازمری در ارتباط با ارباب به همین

منظور تعدادی از زحمتکشان این روستا

ادستگیر نموده و آنان را تحت فشار و

کنجه قرار داده و نسبت به آنها به اعمال

خشونت میپردازند. اهالی روستا،

نسبت به این اقدام جنایتکارانه دست

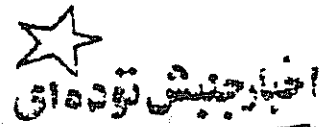
به اعتراض زده و به طرف پایگاه "جوسه -

ن‌شاو" راه پیمائی میکنند. مزدوران

ترس‌شدت یا بی اعتراضات، ناچار

بشوند دستگیرشدگان را آزاد نمایند.

این ترتیب با رادیو گریه زحمتکشان روستای



مهابان

با چهار نفر بر زیل و یک توپو تا به بازار "نهانی" هجوم برده و با به معاره در آوردن آن به غارت اموال مردم میبردند. اعتراضات مردم نسبت به این عمل غارتگرانه موجب آن شده است تا سپاه پاسداران وعده دهد و مسائل غارت شده را به صاحبان آن برگردانند.

از نیمه دوم خرداد ماه، روستاهای "پردان"، "زهرده کانی"، "تیته بستک" و "تیته پاشین" مجدداً مورد یورش مزدوران رژیم قرار گرفته اند. سرکوشگران روستایان این منطقه را به تحقیر روستاها تهدید نموده و از آنان خواسته اند که به جای دیگری کوچ نمایند. اما اهالی روستاهای فوق در برابر این تهدیدات مقاومت کرده و از کوچ اجباری خودداری ورزیده اند.

مزدوران برای تحت فشار قرار دادن اهالی ویران آنکه به سیاست ارتجاعی رژیم جامعه عمل ببوشاند، چهار روز متوالی روستای "تیته" را زیر آتش سلاح های سنگین خود میگیرند که در اثر آن دو نفر زخمی و چندین خانه مسکونی بکلی ویران میشود و هزاران احاطام نیز تلف میگردد. بدنبال این عمل ارتجاعی و سرکوبگرانه، نمایندگان از روستاهای "تیته"، "زهرده کانی"، "پردان"، "مه رزن"، "آباد"، "ششکان"، "بیتوش"، "دولکان"، "ره جاکه"، "بیزوی"، "سینج وی"، "ره شه کان"، "مه رزن" و "گاگر" به عنوان اعتراض به شهرسردت رفته و جلوس فرمانداری تجمع میکنند. بدنبال این اعتراضات، فرماندار مزدور سردشت اعلام میدارد که اهالی روستاهای فوق میتوانند در روستای خود بمانند. اما سه روز بعد، سرکوبگران مستقر در پایگاه "تالش" به تهدید اهالی میپردازند و دیگر اهالی چندین روستای فوق به فرمانداری سردشت مراجعه و اعتراض نموده اند.

بانده

بدنبال تهدیدات مکرر اهالی روستای "بناری سورکیو" بانه به کوچ اجباری، فرماندار مزدور شهر بانه به روستاهای این بخش رفته و اعلام نموده است که روستایان بایستی روستاها

طی نیمه اول تیرماه، مزدوران رژیم مرکب از جاشها و فئودالهای ملخ "منگور" به چادر نشینان روستاهای این ناحیه حمله برده و با ایجاد محدودیت به اعمال سرکوب در مورد آنان پرداخته اند. از جمله سه نفر از چادر نشینان روستای "دبوکور" را وادار نموده اند تا چادرها و وسایل زندگی شان را رها کرده و به روستای خود بازگردند.

در تاریخ چهاردهم تیرماه، مزدوران رژیم روستاهای "موسی رای کجا" "قامیناوی"، "کوخان"، "یمونج" در بخش منگوران را محاصره کرده و اهالی را تهدید به کوچ اجباری میکنند. مزدوران به مردم میگویند چنانچه وسایل خود را خارج نمانند، آنها را همراه با خانواده ها به آتش خواهند کشید. مزدوران در دور روستای پر جمعیت "یمونج" و "کوخان" از ترس اعتراضات اهالی، جرات عملی نمودن تهدیدات خود را نمیکنند، اما در دور روستای کوچکتر "قامیناوی" و "موسی رای کجا" را در کمال بیرحمی و جلوس چشم صاحبان آنها به آتش میکشند. بعد از این عمل وحشیانه مزدوران، اهالی روستاهای فوق را لذکر به شهرنما با مراجعه کرده و جلوس فرمانداری بعنوان اعتراض تجمع میکنند.

آشنویه

عده ای از فئودالهای منطقه، تحت حمایت ارگانهای دولتی به سیاست های سرکوبگرانه خود نسبت به اهالی منطقه علی الخصوص دهقانان همچنان ادامه میدهند. این مزدوران درصددند تا با اتکا به ارگانهای سرکوب رژیم، اراضی دهقانان را به زور تصرف نمایند.

سردشت

در تاریخ یازدهم تیرماه، سرکوبگران مستقر در پایگاه های "سیرشا و"

میپردازند. این اقدام جنایتکارانه بودا اعتراض اهالی واقع میشود که مزدوران ناچار به ترک روستا میشوند. روزپانزدهم تیرماه، دسته ای از مزدوران رژیم تحت نام گروه ضربت مستقر روستاهای "میره دی" و "بله جار" بطرز حشیانه ای روستای "میرگه نه قشینه" را مورد هجوم قرار داده و به سرکوب اهالی پرداختند که در نتیجه این عمل سبانه، و تن آزار اهالی روستا مجروح گشتند.

نقده

صبح روزی و یکم خردادماه، مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، کپره های طراف روستای "گانی زهرده" منطقه "تهته" "دول کونهته" را بطرز وحشیانه ای به سوپ و خمپاره بستند و تلفات زیادی به آنان وارد ساختند. این جانباختگان بعد از نهرمان روز به منظور تکمیل اعمال جنایتکارانه خود، به چادر نشینان این منطقه حمله برده و ضمن سرکوب و اعمال خونت نسبت به آنان، چادرهایشان را به آتش کشیدند. فردای آنروز یعنی یکم تیرماه نیز مجدداً چادر نشینان این منطقه مورد یورش وحشیانه قرار گرفته و اراضی آنها نیز به آتش کشیده میشود. چهارم تیرماه نیز عده ای از اشها و پاسداران بنام گروه ضربت، امداران منطقه را مورد حملات وحشیانه و قرار دادند. از جمله منطقه "دول" "سی زهرده" مورد هجوم مزدوران قرار رفت و بیش از بیست چادر توسط این سابتکاران طعمه حریق گردید. چادر نشینان زحمتکش مستقر در کوهستان های اهالی روستای "کوکول"، "گانی گورا"، "دهشت قره"، "کوخان"، "گیله"، "گانی" "هرده"، "تیوه برسی"، "تاه وکی"، "کلکه" چند روستای دیگر بوده اند.

☆ اخبار جنبش توده‌ای

را ترک کرده و در محلی که رژیم تعیین کرده است سکونت نمایند. سرکوبگران رژیم و از جمله گروه‌های ضربت به شکل گوناگون مردم را تهدید کرده و اعلام داشته‌اند که اگر کوچک نکنند، سایستی از هر خانواده یک نفر مسلح شده و مانع رفت و آمد پیشمرگان گردند.

چند خبر از:

جنگ ارتجاعی ایران و عراق

سردشت

در ادامه جنگ ارتجاعی ایران و عراق، بیستم خردادماه، شهر سردشت زیر آتش توپخانه نیروهای عراقی قرار گرفت، بر اثر این توپباران‌ها، چهار نفر از اهالی بی‌دفاع جان خود را از دست داده و دو نفر دیگر مجروح شدند.

روز هفدهم خردادماه نیز روستای "پیگان سفلی" در منطقه سردشت مورد حمله آتش توپخانه نیروهای عراقی قرار گرفت و خسارات زیادی به اهالی این روستا وارد گردید.

روستای "گونه مشک" نیز روز بیست و نهم خردادماه، مورد حمله توپخانه عراق واقع گردید، که در نتیجه آن دوزن جان خود را از دست دادند.

همچنین، شهرک ربط و روستای "تینوه" از توابع سردشت، مورد حمله هواپیماهای بی‌باک عراقی قرار گرفته است. بر اثر بمباران‌ها، باغچه‌های خسارات مالی وارده، یک نفر از اهالی روستای "تینوه" جان خود را از دست داده و حدود پانزده نفر دیگر نیز زخمی میشوند.

بانه

روز هشتم تیرماه، بار دیگر شهر بانه مورد حمله هوایی جنگنده بی‌باک عراقی قرار گرفت! و محله‌های صالح آباد، شرکت نفت، کوخ شیخ الاسلام بمباران گردید. در اثر این بمباران‌ها خسارات مالی فراوانی به اهالی وارد آمده و یک نفر اهل کوخ شیخ الاسلام جان خود را از دست داد.

چند خبر

از شهرهای کردستان

مهاباد

نیروهای سرکوبگر رژیم، در ادامه سیاست ارتجاعی سربازگیری اجباری، نیمه دوم خردادماه طی یک یورش وحشیانه، در کوچه‌ها و خیابانهای شهر مهاباد، دست به سربازگیری زده و تعدادی از جوانان را دستگیر میکنند. هنگامیکه مزدوران تصمیم میگیرند جوانان دستگیر شده را به جبهه‌ها اعزام دارند، خشم و کینه توده‌ها متفرازرژیم و از سیاستهای ارتجاعی او آشکار میشود. ابتدا، مادر یکی از افراد دستگیر شده، علیه سربازگیری اجباری اعتراض کرده و آغاز به شعار دادن میکند، بدنبال آن، بسیاری دیگر از مردم با او هم‌داشته و سپس متحداً به سوی مزدوران حمله می‌برند. گشتی‌های رژیم خود را به محل میرسانند و با اعمال خورشت و وحشیگری، مردم را پراکنده می‌ازند.

خبر دیگری حاکی از آن است که یک کارگر کوره پزخانه که سه سال قبل دستگیر و در زندانهای رژیم زیر شکنجه بود، اخیراً اعدام شده است. مزدوران رژیم به خانواده و بستگان این کارگر اطلاع داده بودند و او آزاد می‌گشت. وقتی که پدر این زندانی به زندان مراجعه میکند، خبر اعدام او را می‌شنود.

بیجار

در ادامه گسترش سربازگیری اجباری چندی پیش امواج این سیاست‌ها نشرای تربیت معلم بیجا را نیز دربر گرفت. در همین رابطه مزدوران فرمی را در اختیار دانشجویان قرار داده و از آنان خواستند تا برای رفتن به جبهه‌ها ثبت‌نام کرده و آمار دگی خود را اعلام دارند، اما این عمل ارتجاعی مزدوران مورد اعتراض دانشجویان قرار گرفت. آنان در مقابل این سیاست مقاومت کرده و اعلام داشتند که حاضر به رفتن به جبهه‌های جنگ ارتجاعی نمی‌باشند. مدیر این موسسه، برای خوش خدمتی هر چه بیشتر و برای فریب دانشجویان، آنان را جمع کرده و ضمن ایراد سخنرانی در مورد "خدمت به اسلام" و غیره مجدداً از آنان خواست تا در جبهه‌های جنگ شرکت جویند، اما سخنان این مهره رژیم، نه تنها نتوانست دانشجویان را به رفتن به جبهه‌ها ترغیب کند، بلکه بیش از پیش اعتراضات خشم‌گینانه آنان را برانگیخت و مزدوران را وادار به عقب‌نشینی نمود. بطوریکه آنان ناچاراً از طرح ارتجاعی خود دست بر می‌دارند.

مریوان

کارگران شهرداری مریوان هر ساله بخشی از حقوقشان را بصورت عیسوی دریافت می‌کردند، اما امسال دانشه و رشک‌نگی مالی رژیم بدان حد بود که شهرداری مریوان از پرداخت این مبلغ ناچیز نیز ناتوان ماند! نزدیک به صد نفر از کارگران شهرداری روزهای بیست و چهارم و بیست و پنجم خردادماه بطور دسته جمعی دست به اعتراض زدند و خواهان این مبلغ عقب افتاده و تماسی که هر ساله دریافت می‌کردند شدند. اما شهردا مرید و مریوان آنان را جمع کرده و در کمال پررویی با آنان چنین گفت: "اگر حاضر هستید به نفع رژیم اسلحه‌ها را دارید، ما هم خواربار و وسایل دیگر که احتیاج دارید به شما می‌دهیم". اسباب کارگران زحمتکش شهرداری، ضمن اعتراض

اخیرا چینی توده‌ای

این یاوه‌های شهردار، مصرا نه برخواست
بودم نمی برپروداغت حقوق ولباس پسا
شاری کردند.

شب بیست و هشتم خردادماه، نیروهای
اش و پاسدار وابسته به ستاد عملیاتی
ریوان، با هم درگیر میشوند و یک جناح
هل روستای "به‌لو" به هلاکت میرسد. سه
سال این درگیری، کلیه جاش‌ها توسط
پاه پاسداران خلق صلاح میشوند. صبح
وز بعد، مداخلت چند تن از مقامات
کومنتی فضیبه ظاهرا فیصله مییابد.

شب سی و یکم خردادماه نیز یک
رگیری نسبتا طولانی بین واحدهائی از
نیروهای رژیم بوجود می‌آید. چند واحد
زمزدوران رژیم که برای کمین گذاری
بجت پیشمرگان انقلابی که در منطقه حضور
استند، روانه اطراف شهر شده بودند.
اعت حدودیازده شب دورا حداز ایسن
نیروها، در محله جنگلبانی شهر مریوان با
مروبرو می‌شوند و به مدت حدود ۲۰ دقیقه
کدیگر را زیر آتش میگیرند. در جریان
بین درگیری، دست کم هفت پاسدار کشته
زخمی شده‌اند.

خبر دیگری از ناحیه مریوان حاکی
ز آنست که اخیرا افراد واحدی موسوم به
زبالله را خلق صلاح کرده‌اند. ایسن
احد سی و پنج نفره، متشکل از افرادی
وده‌است که خود را به رژیم تسلیم
رده‌اند و رژیم نیز آنان را مصلح کرده
اعلیه پیشمرگان بجنگند. گفته میشود
این افراد بدلیل مشکوک بودن وعدم
عتماد خلق سزج گشته‌اند.

سفر

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی که
را وائل بها را مسال در تدارک بوده‌اند
ابا تعطیل مدارس، معلمین و دانش
موزان را روانه جبهه‌های جنگ ارتجاعی
ما یبند، اخیرا و پس از تعطیلی مدارس،
معلمین را جهت اعزام به جبهه‌ها تحت

فشارهای بیشتری قرار داده‌اند. اما
فرهنگیان شهر سز نسبت به این سیاست
ارتجاعی رژیم دست به اعتراضات
گسترده‌ای زده و از رفتن به جبهه‌ها
خودداری کرده‌اند. امواج اعتراضات
معلمین آنقدر بالا میگیرد که مزدوران
و اداریه عقب نشینی شده و اعلام میدارند
که رفتن معلمین به جبهه‌ها اختیاری
است!

در تاریخ نهم تیرماه، مسزدوران
سرکوبگر شهر با نی به همراه ما مورین
شهرداری بساط دستفروشان و دکه داران
سقز را در میدان یا دیو دیول بزرگ سقز
مورد یورش وحشیانه خود قرار داده و ضمن
غارت و چپاول دارائی نا چیز این قشر
از زحمتکشان، دکه‌های آنان را تخریب
میکنند. در اعتراضات پراکنده‌ای که
با این مناسبت انجام میشود و نفر دستگیر
میشوند، که در ادامه اعتراضات، آزاد
میگردند.

جوانرود

اخیرا اهالی منطقه جوان رود نیز
جهت سرباز گیری اجباری، وسیعا تحت
فشار قرار گرفته‌اند. مسزدوران رژیم در
این منطقه همه تلاشهای خود را بکار
بسته‌اند تا بتوانند دانش آموزان و دیگر
جوانان منطقه را روانه سربازی نمایند.
در همین رابطه روز بیست و یکم خردادماه،
دانش آموزان جوان رود، ضمن دادن شعار
بظور دسته جمعی در خیابانهای این شهر
راه پیمائی میکنند و بر علیه اعمال
فشار و اعزام به جبهه‌های جنگ ارتجاعی

دست به اعتراض می‌زنند. تظاهرات
دانش آموزان، با شرکت فعال و همبستگی
توده‌ها، عمق بیشتری می‌یابد. گسترش
دامنه این تظاهرات اعتراض آمیز، و
بویژه اتحاد و یکپارچگی اهالی، رژیم
را دچار ترس و وحشت میکند. مسزدوران
سرکوبگر، برای متفرق کردن تظاهرات
کنندگان به صفوف آنان حمله ور شده و با
آنان درگیر میشوند. اما مقاومت توده‌ها
و مقابله انقلابی آنان، سرکوبگران را
به عقب نشینی وامیدارد.

توجه سیاستهای عوامت طلبانه! یا ه ه

دمکراسی و دعوت به اجرای آن با سخ
مثبت میدهند.

چنین است نگرش راه‌کارگر نسبت
به حزب دمکرات و مقوله دمکراسی. راه -
کارگر شوهم پراکنی میکند که گویا ایسن
حزب دمکرات است که بدلیل اعتقاد، نقش
و عملکردش در کردستان سبب شده که
کمونیستهای در آنجا حضور داشته و دارای
آزادی تبلیغ و فعالیت باشند. استدلال
راه‌کارگر درست شبیه به استدلال حزب
توده پس از قیام بهمن ماه میماند که
مطرح میکرد آزادیهای موجود در جامعه از
اعتقاد رهبران اسلام انقلابی بس
دمکراسی و آزادی سرچشمه میگیرد. حزب
توده در آزمان منشأ آزادیهای بدست
آمده، یعنی مبارزات توده‌ها را محسوس
میکرد تا حکومت اسلامی را بجای آن
بنشانند و حال راه‌کارگر هم مبارزات
توده‌ها و نیروهای سیاسی را برای عیان
دمکراسی و آزادی محسوس کند تا حزب
دمکرات را در جای آن بنشاند.

اما این اشتباه خواهد بود اگر
تصور شود که دفاع راه‌کارگر از بورژوازی
و دمکراسی بورژوازی فقط مربوط به
کردستان است. دفاع راه‌کارگر از
بورژوازی و دمکراسی بورژوازی خط
مشی عمومی راه‌کارگر است. راه‌کارگر
خود در نوزدهمین شماره نشریه اش نوشت
که "ارتجاع فوق تصور رژیم خمینی،
لیبرالیسم بورژوازی متوسط و کوچک
را بر مراتب نسبت به دوره شاه تفویض
کرده و آنان را به دفاع از دمکراسی
بورژوازی سوق داده است".

بله، بر همین اساس است که
راه‌کارگر توده‌ها را قرا میخواند که بس
دمکراسی بورژوازی ایمان بیاورند،
برتجا رب خود خط بطلان نکشد، و همه
هم برای سرکردن حفره هولناک رژیم
فقیه با قدرت همه جانبه و جمعی بورژوازی
که اکنون دمکرات و آزادی خواه گشته
است، در جبهه متحد با صلح کارگری راه -
کارگر مجتمع شوند. این است پیام راه
کارگر به توده‌ها و این است نمونده‌ای
درخشان از نقش و عملکرد یک نیروی
رفرمیستی در تحولات اجتماعی ه

فرار از جبهه‌ها و پادگان‌ها

بین فرارها که در برگیرنده سربازان شمولینی که به تا زگی دستگیر شده‌اند، جبهه‌ها اعزام کردند، میشود، همچنین یکن میبازد که جوانان هیچ انگیزه‌ای ندارند در جبهه‌ها و ادامه جنگ بزیایشان نمی‌مانند است و هیچگونه چشم انداز یکن و یا امیدبخشی را در آن نمی‌بینند. یکی ارتجاعی، بی‌آینده، و در خدمت رمایه داران و غارتگران، راهی جز فرار ایشان سانی نمیگذارد. آنان خنثی ار شدن در کوهها و بیابانها، سرگردانی به خطرات احتمالی سانی از ترک جبهه

بجان میخرند، اما دیگر حاضرین در جنگ نیستند. در این میان آنچه که در رتوجه و تعمق است، حمایت فعال ده‌ها از این فراریان است. توده‌ها، تنها خود، آنان را تشویق به فرار میکنند، بلکه به فراریان پناه داده و نالانه با آنان یاری می‌رسانند. اگر بیم بازور و سرنیزه، جوانان را برای بازگشت جباری دستگیر و آتش پادگانها تهیه می‌کنند، اما از سوی دیگر، دسته ستار از این جوانان، جبهه‌ها و پادگان‌ها ترک کرده و فرار مینمایند. خسراهی پناه‌ها که در زیر نقل میشود گویای این قیمت میباشد.

بدین حال اما ده‌ها سرباز به نیروهای بیم در منطقه ارومیه، برای اعزام به جبهه‌های جنگ ارتجاعی، بسیاری از سربازان این منطقه و از جمله منطقه حاس شیران در شمال کردستان، بطور دسته جمعی دست به فرار میزنند. بیست مدوینجا، نفر از این سربازان موفق شوند از مرز ترکیه گذشته و از دولت کیه تقاضای پناهندهگی نمایند، بسیاری گران آنان در کوهها و پناهگاههای نراف آوار و یا مخفی شده‌اند.

در همین رابطه فشار نیروهای کوبگر بر مردم منطقه و بویژه سربازان فراری تشدید یافته و رژیم میکوشد تا با ایجاد رعب خشت از فرار سربازان جلوگیری

نماید. اما همکاری توده‌ها با سربازان و تشویق آنان به فرار از پادگانها در ابتدا دوسوی جریان دارد و اعلام آمادگی با سربازان سرکوب رژیم در منطقه، تا تیری بر فرارهای ادا مدار نداشته است. در اوائل تیرماه، یک سرباز از پادگان ارومیه فرار کرده و خود را به پیشمرگان خلق کرد رسانده است.

که قبلا در هجوم های وحشیانه مزدوران دستگیر و به زور به پادگان های رژیم روانه گشته بودند، موفق به فرار شدند. چهار نفر از جوانان از پایگاه "هواره" خور" و تعداد بیشتری از پایگاه "نه‌نور" توانستند فرار کنند.

روز هجدهم تیرماه، یک سرباز جمعی تیپ ۲ لشکر ۷۷ با تفاق یک نفر دیگر فرار کرده و در جنوب کردستان به پیشمرگان پیوسته‌اند. فرد دیگری در بوکان همراه سلاح خود صفوف دشمن را ترک کرده و به پیشمرگان پیوسته است. در تاریخ ۱۷ تیرماه نیز در شمال کردستان، دوتن دیگر به همین طریق خود

سربازان و پرسنل انقلابی ارتش!

جنگ دولتهای ایران و عراق جنگی است ارتجاعی، در خدمت سرمایه داران و دولتهای امپریالیست، این جنگ صدها هزار تن از توده‌های مردم ایران و عراق را به خاک و خون کشیده است و هزاران خانواده را ادا غدار نموده است.

علیه جنگ قیام کنید!

از فرامین فرماندهان مزدور ارتش و سپاه سرباز زنیید و تفنگ‌های خود را به سوی رژیم جمهوری اسلامی برگردانید.

مرگ بر جنگ ارتجاعی = مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی.

همچنین در تاریخ بیست و چهارم خردادماه، یک سرباز از گردان ولیالله پیرا نشهر و یک درجه دار ارتش از لشکر ۸۱ رزمی کرمانشا، فرار میکنند. چهار تن از شمولینی که در جریان پی‌کردهای مزدوران در شهر سقز برای اعزام به سربازی اجباری دستگیر و در زندان ژاندارمری زندانی بودند، طی یک نقشه مشترک موفق شدند با شکستن درده و پنجره زندان فرار کنند. همچنین دریا نه تعدادی از سربازان

را به پیشمرگان تسلیم کرده‌اند. یکم تیرماه، فردی اهل "میرثاوا" سردت، از پایگاه مزدوران فرار کرده و به پیشمرگان می‌پیوندد. دوتن دیگر نیز با سلاح‌های خود صفوف دشمن را ترک کرده و به پیشمرگان انقلابی پیوسته‌اند. در تاریخ ششم تیرماه نیز فرد دیگری اهل روستای "ماشه‌زن" از پایگاه رژیم فرار کرده و به صفوف پیشمرگان ملحق میشود. سرباز دیگری از پایگاه "سیس‌پهر" در صفحه ۲۶

نگاشتن به

جم و یکبارچه از طرفی توده‌ها وضعف می جنبش جستجو نمود، خلق زحمتکش، طی چندسال مبارزه بی وقفه، بسا ل روحیه اعتراضی و پتانسیل بالای رزائی، درحالیکه حکومت سرکسوب میان و ترور و وحشتان جمهوری اسلامی زانسته است کمترین خللی دراراده م استوارش در مبارزه علیه رژیم جاد نماید، اما بدلیل عدم رهبری یک یان پرولتری که مبارزات آنان را در ستای منافع کارگران و زحمتکشسان س رایران سازماندهی نموده و

زحمتکشان را در ارگانهای انقلابی توده ای مشکل ساخته و از هر زرفتن انرژی و پتانسیل مبارزاتی آنان جلوگیری بعمل آورد، نتوانسته اند مبارزه ای همه جانبه و منسجم و سازمان یافته در برابر سیاستهای ارتجاعی رژیم به پیش برند، سیاست بسیج جنگی رژیم نیز علی رغم اعتراضات گسترده توده ای، بدلیل پراکندگی و خودبخودی بودن این اعتراضات، با اتکاء به اعراب و زور سرنیزه، بطور نسبی به پیش برده شد. سیاست های ارتجاعی دیگر رژیم از قبیل تسلیح اجباری، کوچ اجباری و سرکوب و حشانه نیز با اعتراضات روز مراه و مستمر زحمتکشان کرد مواجه گردید، هرچند این مبارزات نیز، خصلت خودبخودا و غیر منسجم خود را حفظ کرده بود، اما در بسیاری از زمینه ها مزدوران رژیم را

از اجرای سیاستهای ارتجاعی جلوگیری اسلامی بازداشت، لیکن اعتراضات توده ای در سه ماه گذشته نسبت به توده ای آخر سال ۶۴ از کیفیت با شری بر خوردار بود و حرکات متعدد اعتراضات یکبارچه و همزمان چندروشنا گسترده تر پیوست، البته زمینه ارتقاء مبارزات توده ها به اشکالی عالی تر هوار و فراهم است منتهی خود بخودی بودن این مبارزات و عدم شکل توده ها خود را ملی موثر در اشکال مبارزاتی است، هرچند که علی رغم نوسان در اشکال مبارزاتی زحمتکشان خلق کرد، تاکنون هیچگونه تردید و تزلزلی در اعتقادشان، در امر ضرورت مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی بوجود نیامده است.

فرار از جبهه ها و پادگان ها

ار کرده و به پیشمرگان پیوسته است، تاریخ ۱۳ تیرماه فرد دیگری با یک به اسلحه و مهمات از پایگاه دشمن ار کرده و به پیشمرگان در منطقه دالاهو پیوستند. فرارهای ادا مسه دار سربازان از جبهه ها و مراکز نظامی رژیم به میزان آدی بی اعتقادی آنان رابه جنگ ان میدهد، جنگی که باین خاطر ادا مسه یا بدتا معلوم شده توده ها توسط کدام ته از سرمایه داران استثمار و غارت ند و در انقیاد کدام دولت بورژوازی ر گیرند. جنگی که جز فقر، گرانی، ناروا و آوارگی برای آنان شمردیگری اشته و نخواهد داشت.

سربازان با دیدن تندکده دولت های بورژوازی دنبال منافع غارتگران خود هستند، آنان متحدان تمام معاصر خود را علیه انقلاب توده ها، علیه کارگران و زحمتکشان بکار خواهند برد. لذا باید به این ضرورت عینی و تاریخی، یعنی تدارک جنگی انقلابی بی بپرند، باید از فرامین فرماندهان سرباز زده و تفنگ های خود را به سوی رژیم جمهوری اسلامی نشانده روند. فقط با تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگی انقلابی، جنگ علیه رژیم جمهوری اسلامی و سرنگونی انقلابی آن، مما شیب بی شمار موجود بایان یافته و ملحق بی دمکراتیک برقرار خواهد گردید.



بیوزش و تصحیح :

دربریگای گهل شماره ۴۲ زیر نویس صفحه ۲۴ را شداست. صفحه ۲ ستون ۱، سه سطر به آخر، بجای فرماندهان، فرماندهی صفحه ۷ ستون ۲، ۱۱ سطر به آخر، بجای "چهار چوب قاسل قبولی"، "چهار چوب قبولی" صفحه ۸ ستون ۳، سطر ۲۲، بجای طرح ۲۶ ماده ای، بر نامه ۲۵ ماده ای صفحه ۱۱ ستون ۳، سطور ۱ و ۲ بجای پس از کمی آرایش، پس از کمی آرایش صفحه آخر ستون ۱، چهار سطر به آخر، بجای غلسان یا نروکش، غلیان یا خروشی تایپ شده است، که بدین وسیله تصحیح میگردد.

نشریه



ارگان

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

را بخوانید

ارگان کمیته کردستان
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

تلاش رژیم برای . . .

خاوت است که امروز در بسیج نیرو و جمله کارکنان دولتی تجلی میابد. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، نزد طول جنگ برای پیشبرد اهدافش طلبانهاش به انحاء گوناگون و بدنا با توسل به زور و سرکوب به بسیج جری انسانی پرداخته و با گسیل بخش ده های از نیروهای مسلح حرفه ای علمی و غیر علمی خود، و اجیر ساختن طب مانده ترین عناصر جامعه و بسا فیل با ربحرانا اقتصادی و هزینه های یام آور جنگ بردوش نموده ها، تنبور یک را گرم نگاه داشته، امسروز در معیبتی بمراتب و خامت بارتسرا زشته قرار گرفته است، آنچنان که جگونه چشم اندازی برای نجات از نفروپاشی برای آن متصور نیست، با جن وجود در سایه سیاست ارتجاعی، آسجنگ، کلیه آحاد جامعه تحت فشار بی بیشتری قرار گرفته اند و اضا فیسر با زان مکارگان، دانش آموزان، رندان و معلمین نیز میبایست تحت نقیاد رژیم و در هیات نیروهای مسلح یانی امیال و منافع جنگ طلبانه جمهوری اسلامی گردند.

وقتی اکر می وزیر آموزش و پرورش رژیم اعلام مبدار دکطی سال تحصیلی گذشته سی هزار معلم و صد هزار دانش آموز روانه جبهه های جنگ شده اند، ویا زمانی که رفسنجانی میگوید، هر کسی قادر است سلاح بردارد بایدید. جبهه پیرو د... و همه امکانات با بیدر خدمت جنگ قرار گیرد، ابفا دتلاشهای رژیم جهت بسیج نیرو برای جبهه ها بهتر روشن میشود. اما واقعیات دیگری حاکی از آن است که عموم شده های خلق کرد و از جمله مسلمین، دانش آموزان و کارمندان در قبال این سیاستهای ارتجاعی نسه تنها مقاومت نموده، بلکه دست به اعتراض زده اند و تلاشهای رژیم را در این زمین به بلا شراخته اند، در بسیاری از شهرها و مناطق کردستان و از جمله سها به سقز، جوان رود و غیره، اعتراضات شده ها، مقامات رژیم را وادار به عقب نشینی نموده است. این اعتراضات و تظا هرات که خود همین آگاهیه های قشراز حمتکشان است، عوام فریبی های بی وقف رژیم را نیز خنثی نموده و سیاست ارتجاعی او را با شکست مواجه ساخته است و رژیم همچنان با کمبود نیروی انسانی در جبهه ها مواجه است. مقامات دولتی اگر چه از دستگا ههای تسلیحاتی خود در کردستان و انمودمی سازنده ها و طلبین زیادی برای اعزام

به جبهه ها مراجع میکنند، اما اطلاعیه های پی در پی ارگانها و از جمله وزارت معرفی و تعیین مهلت برای مراجع به مراکز نظامی، خودگویای ذوق بانسی و زبونی رژیم در بسیج نیرو است. مترجمین جمهوری اسلامی که میخواستند نظم ارتجاعی خسود را در سراسر جهان بگسترانند، ظاهرا تصور نمیکردند که رسیدن به این هدف برایشان زیاد از حد مشکل باشد. آنان که در ابتدا رقیب خود را تحقیر کرده، اقتصاد رانگی نموده و تجهیزات جنگی را ناچیز میشمردند، یک سیستم کامل عوام فریبی را طرح ریزی نمودند و بر آن بودند تا با "معجزات امام زمان" و "امدادهای غیبی" انقلاب اسلامی را به همه جا صادر کنند، اما امروز عملا همان اقتصاد را در خدمت ماشین عظیم جنگی خود قرار داده، ملیتارسم را تجلیل میکنند و در راستای اهداف جنگ طلبانه خود، از هیچ گونه زور و فشار و برافشاز حمتکش مردم فروگذار نمیکنند. اما نه تشدید فشار بر توده ها و گسترده گی دامنه این فشارها و نه ملیتاریزه نمودن اقتصاد، نه تنها گرهی از مشکل رژیم نخواهد گشود، بلکه سقوط ناگزیر او را سرعت و قطعیت خواهد بخشید.

منتشر شد

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
کمیته مرکزی
مقر: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۰
تلفن: ۱۲۳۴۵۶۷۸
شماره حساب: ۱۲۳۴۵۶۷۸۹۰
روزنامه: ۱۳۳۵
شماره: ۱۲۳۴۵۶۷۸۹
تاریخ: ۱۳۳۵/۰۷/۰۱

تخصص نیرو و زنداندانه کارکنان شوکت واحد

مشاورت مشاهدات

شکاف درون صبات حاکمه

عصق تر میشود

شوراهای اسلامی

و آه گزینی

۴۰ ساعت کار، دور و قطعیل در هفته حق مسلم کارگران است

گروامی باد

هفتمین سالگرد انقلاب

نیکاراگوئه

کنترل کارگری برکارخانه‌ها و مراکز تولید را برقرار ساختند.

انقلاب نیکاراگوئه، با تشکیل دولت ساندنیست‌ها تداوم یافت و اقدامات انقلابی این دولت در جهت تأمین منافع کارگران و زحمتکشان، به آن عمق بیشتری بخشید.

در آستانه بزرگداشت هفتمین

سنت و همت تیرماه، برابر با نوزدهم ژوئیه، مسافران با هفتمین سالگرد انقلاب دمکراتیک کارگران و زحمتکشان نیکاراگوئه به رهبری جبهه انقلابی ساندنیست‌ها، کارگران و زحمتکشان نیکاراگوئه، به رهبری ایسن جینه که اکثر نیروهای آن را انقلابیون کمونیست تشکیل می‌دهد، طی یک مسارزه مسلحانه دراز مدت حکومت بورژوازی وابسته امپریالیزم سا موزار سرنگون ساختند و با درهم شکستن ارگانهای بوروکراتیک - نظامی، تبلیغ عمومی نوده‌ها را به اجرا در آورده و ارتش خلق را ایجاد نمودند و حکومت شوراهای و اعمال

سالگرد انقلاب دمکراتیک نوده‌های نیکاراگوئه، امپریالیزم هار آمریکان را طریق عمال خود و ساندنیست‌ها سوزانی، خلق مسارزه و دولت انقلابی نیکاراگوئه را تحت فشار قرار داده و برای تخریب و امر انقلاب نیکاراگوئه تلاش می‌نورزد. اما مقاومت کارگران و زحمتکشان تیرماه این کشور تحت رهبری ساندنیست‌ها، علیه سیاستهای تاجران و امپریالیست‌ها، تمام کوشش‌های مذبحانسه آنان را بلا اثر ساخته و بدون شک، تداوم مبارزات انقلابی نوده‌ها، پیروزه امپریالیسم جنایتکار آمریکا را بر سر خاک خواهد مالید.

هشدار به

نیروه‌های انقلابی

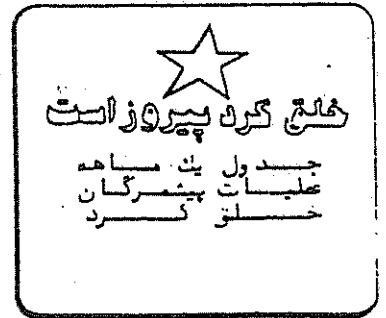
اظهارات مساف نموده و با زهم‌پوزش خواهی نمود و بر مناسبات "دوستانه" خود (اتحادیه میهنی) با ما تا کیدورزید. چنین است که ما از روشی با اصرار بر مناسبات دوستانه برخی از مسئولین اتحادیه میهنی و اظهارات مساف از عملکرد پیشمرگان و بعضی مسئولین و پیروزی خواهی نسبت به آن روبرو می‌شیم و از جانب دیگری آنچه که در عمل اتفاق افتاده و رفتاری که نسبت به ما سرزده است و جز رفتاری خصمانه نمیتوان بر آن نام دیگری نهاد مواجهیم. آیا این اعمال و حرکات نمیتوانند جدا از مناسبات کنونی اتحادیه میهنی کردستان باشد؟ آیا چنین شیوه‌هایی میتواند مورد تأیید نیروهای انقلابی واقع گردد؟ آیا هیچ چریک انقلابی، بر باز نمودن نامه‌های تشکیلاتی، سوال کردن از پیشمرگان بازداشتی، در مورد رهبری سازمان، مسئولیت افراد در تشکیلات و سوال نمودن اساسی واقعی؛ اسم پدر و پدر بزرگ و شمار شناسنامه و آدرس و محل اقامت در ایران؛ اعمال فشار و تهدید به اعدام برای گرفتار کردن و اطلاعات صحیح خواهد گذاشت؟

بر این اساس است که ما ضمن محکوم نمودن قاطعانه هرگونه مذاخله در امور داخلی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و بی‌اثرسازمان انقلابی دیگری، به هر طریق و از جانب هر نیرویی که باشد،

منظور تحقیق در مورد انفجار میهن در نزدیک روستای گابیلون قید شده بود. ترجمه فارسی قسمتی از این نامه چنین است "بن از تحقیق با احترام آنها را و آن سازمان کردیم، از اینکه شما را صورت رسمی مطلع ساختیم بپوزش می‌نمایم. چنانچه احتیاج به تحقیق مجدد بود شما را مطلع می‌کنیم، از این نظر و ایش ما اینست که از ما دلخور نشوید، زیرا که ما قدامان حراست جان رفقا و همزمان است و شما از دید مسئولیت حفظ نطقه این مسئله را برداشت کنید." ما طی یک سری گفتگو با یکی از مسئولین اتحادیه میهنی بر سر مسائل پیش آمده و اساسا سیاست اتحادیه میهنی قبالت کمیته کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، رفتار پیشمرگان و برخی مسئولین اتحادیه میهنی را با شمرگان سازمان در طول بازداشت که نمیتوانست بدون اطلاع دفتر سیاسی حادیه میهنی صورت گیرد. از قبیل مال تهدید و تحمیل انواع فشارهای می و روحی برای کسب اطلاعات از اشل درونی تشکیلات و کنگجک و ویهای کوچک در امور داخلی سازمان را متباین چنین مناسباتی دانسته و ضمن اعتراض نتونه اعمال را شدیداً محکوم نمودیم. اهان یا بیان چنین شیوه‌ها و سیاست‌ها که تحت هیچگونه بهانه‌ای توجیه‌ر نیست شدیم. ما همچنین ضمن پاسری بر مواضع اصولی خود بر خورده‌های سی راجع خود و اتحادیه میهنی و کلیه و های سیاسی دانستیم. نماینده اتحادیه میهنی نیز ضمن "ر بی اطلاعی" از چنین برخوردهایی

به نیروهای انقلابی هشدار می‌دهیم و از آنان می‌خواهیم که هوشاری خود را دو چندان کرده و در قبال چنین مواردی که فوقاً بیان اشاره شد، در قبال تعرض به مناسبات دمکراتیک و خدشه دار نمودن سن دمکراتیک جا افتاده در منطقه، دقت نظر و حساسیت بیشتری بخرج داده و با مسئولیت بیشتری به مسائل بنگرند. ما با ردیگر رعایت اصول دمکراسی و آزادیهای دمکراتیک، عدم مذاخله در امور داخلی، و حق استفاده از برخورد های سیاسی را امری مهم و ضروری دانسته و بر آن تأکید می‌ورزیم و طعنا پای بندی به این ضوابط را ملاک و معیار خود در مناسبات جاری می‌نمایند و خواهیم داد. ما هر حرکتی را که عملاً به ایجاد مانع در راه مبارزه علیه رژیم بورژوازی جمهوری اسلامی ایران، رژیم کسب در اعمال خنوت و سرکوب نسبت به کارگران و زحمتکشان ایران و خصوصاً خلق قهرمان کرد، از هیچ کوششی نرسوز گذارنکرده است، منجر گردد، و یا دامنه این مبارزه عادلانه و انقلابی را محدود نماید، برخلاف منافع سوده‌سازان زحمتکش و از جمله خلق ستمدیده کرد از زبانی نموده و آنرا مردود می‌شماریم.





رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی از بدو به قدرت خریدن خود، هر آنچه را که در توان داشت به خدمت گرفت تا عزم بولادین این خلق رزمنده را در هم بشکند. شکنجه و اعدام‌های دسته جمعی، سبب آن شهرها و روستاها، کج و دامن اجباری و به آتش کشیدن روستاها و غارت دسترنج توده‌های زحمتکش، تلبیح اجباری و خلاصه تمامی این شیوه‌های سرکوب و تهدیدات گوناگون، کار ساز نگردید. گسترش دامنه جنگ ارتجاعی ایران و عراق به کردستان و گشودن جبهه‌های جدید جنگ در این منطقه، از جمله تلاشهای مذبحخانه رژیم برای به شکست کشاندن جنبش انقلابی خلق کرد بود. رژیم، با ایجاد شبکه‌های پابگامی در روستا و کردستان، کنترل بیشتری بر

گذرگاه‌های استراتژیکی، تخلیه روستاها، مرزی، محاصره و سرکوب نیروهای انقلابی را در برنا مه خود داشت. هرگاه که پیروزیهای بدست آورد در بیوتی و کرنای تبلیغاتی خود میدواند ازنا بودی سازمانهای مبارز و نیروهای پیشمرگ سخن راند، اما پاسخ به ادعاهای کاذب رژیم را، فرزندان دلاور خلق کرد، در میدان‌های نبرد و با بهلاکت رساندن مزدوران، انهدام تاسیسات و پابگام‌ها و کنترل شهرها زجا داده‌ها داده‌اند.

نگاهی به جدول عملیاتی این ماه، گسترش دامنه تعرضات، قابلیت رزمی و اتخاذ تاکتیک‌های جدید از سوی نیروهای پیشمرگ، و تضعیف و ناتوانی بیسش از پیش نیروهای سرکوبگر رژیم را بخوبی عیان میسازد. بحران عمیق اقتصادی سیاسی و تضادهای درونی رژیم که حتی در درون ارگانهای سرکوب نیز بازتاب داشته است، از سویی و گسترش دامنه مبارزات توده‌ای و تعرضات پیشمرگان دلاور خلق کرد از سوی دیگر، رژیم و شکست جمهوری اسلامی را در مقابل با جنبش انقلابی خلق کرد نشان توان ساخته است. نیروهای درون جنبش انقلابی خلق

کرد، میبایستی با درک موقعیت حاس و خطیر کنونی و با در نظر گرفتن منافع جنبش، هرگونه زمینه امکان بروز درگیریهای مسلحانه درونی را از میان برداشته و با تمرکز قوا، و استفاده از نقطه ضعف رژیم، با ضربات بی درپسی پیگیرانه جان رژیم را آماج حملات انقلابی خود قرار دهند. وعزم را بر مزدوران سرکوبگر تنگ تر نمایند. خلق سلاح سیزده پایگاه رژیم در کمتر از یک ماه، نمودار قدرت روز افزون و پتانسیل تعرض جنبش انقلابی و پیشمرگان دلیر خلق کرد در عین حال مسین زنبونی نیروهای سرکوب رژیم است. بدون شک اتخاذ تاکتیک‌های مناسب و برنامسه ریزی‌های دقیق، اتکاء بر نیروی لایزال توده‌ها و توجه به منافع آنان، شکست‌های با زهم بیشتری را بر نیروهای رژیم در کردستان تحمیل خواهد کرد.



غانیم بدست آمده

۲۲۶	جنگ افزار انفرادی
۵۱	انواع نارنجک
۸	بی سیم
۱۳۹۲۳۰	انواع فشنگ
۲۴۵	خشب
۲۳	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۲۹۸	گلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین
۱۰	پیوستن فریب خوردگان

تلفات دشمن

۵۹۲	کشته و زخمی
۲۴	اسرای دشمن
۴۸	خودروی منهدم یا معادله شده
۴	سلاحهای منهدم شده
۶	مهمات منهدم شده

جدول يك ماهه عمليات پيشمرگان خلق كرد

۲۷ خرداد تا ۲۷ تیر

عملیات پیشمرگه

۱۳	کمین و کنترل جاده
۷	مین گذاری
۲۳	مقابله در مقابل یورش رژیم
۶	حمله به مراکز رژیم در شهرها
۱۳	خلق سلاح پابگام
۳	معاذره و انهدام تاسیسات
۱۶	حمله به پابگامها
۸۱	جمع

۴۰	بندای پیشمرگه
-	احالی بیدفاع

آمار این جدول عمدتاً از اخبار رادیوهای حرب دمکرات و کومه‌له سرگرفته شده است.

سهرکه و توبی پرونده‌های شورشیگرانه‌ی گه‌لی‌گورد

برخی ملاحظیات

توجه سیاستهای مماشات طلبانه!
یا، پاسخ به نامه ها؟

موضعگیریهای بغایت اپورتونیستی راهکارگر بیرا مون مقوله دمکراسی بد چنان سطحی نزول کرده که سروصدای برخی از بیروانش را هم در آورده است. همین علت راهکارگر در نشریه اش در قالب بختی بنام پاسخ به نامه ها، تلاش میکند تا به توجیه پیروان مسئله دارش بپردازد. از جمله راهکارگر شما ره ۲۵، در بخش پاسخ به نامه ها خواسته است سیاست ما فیت جویانه و مماشات طلبانه اش نسبت به نقض دمکراسی از سوی حزب دمکرات را کمی راست و ریس کند و به سوالها و اعتراضاتی که در باره ایسن مواضع راهکارگر بعمل آمده است، باسخی توجیه گرانه بدهد. اما اگر بخواهییم موردی از کار برود "غزید ترا ز گناه" را بچونیم، همین پاسخ راهکارگر نسبت به عاقبت جوشی اش در بر خورده حزب دمکرات و مقوله دمکراسی است.

راهکارگر در پاسخ به سوالها مینویسد: "از نظر ما حزب دمکرات حزبی است که خملت ملی داشته و ائتلاف طبقات ولایه های مختلف خلق کرد اما بورژوازی خرده بورژوازی و زحمتکشانی را در خود درمنه ۹

گرامی باد خاطره شهدای ۸ تیر رفیق کبیر حمید اشرف

ورفتا:

- * یوسف قانع خشک بیجاری
- * غلامرضا لایق مهربانی
- * رضا یثربی
- * فاطمه حسینی
- * محمدحسین حقنواز
- * طاهره خرم
- * عسکر حسین ابرده
- * محمد مهدی فوقانی
- * غلامعلی خراط پور
- * علی اکبر وزیری

اخباری از جنبش توده‌ای

در صفحه ۱۷

گرامی باد خاطره ۲۳ تیر

چهلمین سالروز اعتصاب شکوهمند و قهرمانانه کارگران نفت جنوب، که طی آن ۴۷ نفر شهید و ۳۷۳ تن از کارگران رخمی شدند.

خلق گرو پیروز است
جدول يك ماهه
عليات پينمرگان
خلق گورد

در صفحه ۲۹

فرار از جبهه‌ها و پادگان‌ها

و کارآئی خود را کاملاً از دست داده است. از سوی دیگر، این فرارها مبین اوضاع وخامت بار رژیم، از هم گسیختگی و فروپاشی نسبی ارگانهای سرکوب او است که علی رغم اعمال همه گونه کنترل و دیسیپلین بورژوازی و ایجاد جو رعب و هراس و حاکم نمودن فضای اختناق بر آن، شاهد چنین فرارهایی هستیم. درمنه ۲۵

است که رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، توانائی بیش بردگانه سیاستهای سرکوبگرانه و فریب آمیز خود را نداشته و تحت عناوینی که تاکنون سه بیسج نیروی پرکردن جبهه‌ها از جوانان می برداخته، دیگر قادر به استفاده از آن روشها برای ادامه این روند نیست و در واقع چنین شیوه‌هایی دیگر چندان شمری برای رژیم ندارد

به موازات تشدید شار بر توده‌ها و بویژه لاق مارز کرد، جهت طبع و سربازگیری جباری، همچنین در پی عزام دسته جوانان و حبه‌های جنگ ارتجاعی ایران و عراق، فرار ربازان از جبهه‌ها، نگان‌ها و مراکز نظامی بیم نیز ایجاد وسیع تری نمود گرفته است. این اراهای مکرر و ادامه رازیک سوحاکی از آن

رادیو

صدای فدائی

موج کوتاه ردیف ۷۵ متر

ساعات ۸/۵ بعد از ظهر

۶ صبح و ۱۲/۵ روز بعد